

شرکت هیات نمایندگی کمیته مرکزی سازمان در هجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین در صفر ۱۱ در صفر ۱۱ چشم انداز نوید بخش در جنبش فلسطین در صفر ۱۱

بحران خلیج فارس و ضرورت تشدید مبارزه علیه ادامه جنگ

در آخرین روزهای اردیبهشت ماه، یک رزمناو آمریکا بی مجزبه موشکهای هدایت شونده در نزدیکی های بحرین در خلیج فارس، توسط هواپیماهای عراقی با موشک سوزوخمله قرار گرفت. در اثر این حمله رزمناو مزبور به شدت آسیب دید و ۳۷ نفر از ملوانان آن کشته و تعدادی نیز مجروح شدند. بدنبال این رویداد دبیر سابق خلیج فارس، کشتیهای جنگی آمریکا وارد منطقه شدند.

برابر اظهارات مقامات پنتاگون، خبر حمله شکاری های عراقی به رزمناو و یک آواکس به ناخداي کشتی آمریکایی داده بود. پنتاگون اعلام کرد که رزمناو و آواکس به ناخداي کشتیهای جنگی آمریکا تا شریک را در دولت آمریکا به دنبال خود در آن منطقه ادامه خواهد داد.

اندکی پس از این رویداد، عراق طی بیانیه ای اعلام کرد که حمله به ناو جنگی آمریکا در اثر اشتباه هواپیماهای عراقی صورت گرفته است.

قبل از حادثه فوق، دو کشتی تجاری اتحاد شوروی نیز طی دو حادثه جنگی جداگانه آسیب دیدند. در اولین مورد یک کشتی تجاری شوروی که مصالح ساختمانی حمل می کرد، مورد حمله هوایی قرار گرفت. هنوز هیچ دولتی مسئولیت این حمله را بر عهده نگرفته است. دومین مورد کشتی دیگری بود که در اجاره کویت است. با یک مین دریایی در نزدیکی ایسوا حمله کویت بود. حمله به کشتی های تجاری شوروی نمونه بارز تشنج آفرینی های این جنگ ارتجاعی در منطقه است.

تقریباً همزمان با حوادث فوق، صدام حملات هوایی علیه موسسات اقتصادی ایران را با رادیکالتر سرگرفت و هواپیماهای عراقی بار دیگر تاسیسات نفتی ایران در اصفهان، تبریز و مینا طوق جنوبی ایران را بمباران کردند. همچنین نبردهای دریایی ناوگان های جنگی دو کشور افزایش یافت.

حادثه رزمناو آمریکا بی آخرین حلقه از زنجیره حوادث شومی است که طی روزهای اخیر در خلیج فارس روی داده است. این حوادث وضع خلیج فارس را مشتت کرده و خطر گسترش آن منتهج را در منطقه افزایش داده است. در این رابطه شوروی حمله به کشتی های تجاری شوروی و بیوزنه حادثه رزمناو و آواکس را باید مکتب نمود؛ این حادثه صرف نظر از آنکه به چه دلیل و چگونگی روی داده است، علیه آرام سازی اوضاع در منطقه و در خدمت افزایش تشنج در آن و پیشرفت نقشه های آمریکا در خلیج فارس است. چرا که امپریالیسم آمریکا از هر حادثه ای در خلیج فارس در جهت تشنج فزاینده و حضور موثر نظامی خود در منطقه بهره می گیرد. آخرین نمونه آن، استقبال بیدریغ دولت ریگان از تمهیدات دولت کویت در برابر بیس شهبان فزاینده رژیم خمینی علیه خطوط کشتیرانی آن کشور است.

رهبران جمهوری اسلامی بخوبی آگاهند که ادامه جنگ و گسترش آن به سرباز کشورهای منطقه، امپریالیسم آمریکا را به صدام خلیج بیشتر در امور داخلی کشورهای منطقه و تحکیم حضور نظامی خود، در آن سوق داده و میدهد و لسی آنها از ماجراجویی و سیاست تجا و زکارانسه خود دست برنمی دارند.

راه واقعی پایان دادن به وضع کنونی در خلیج فارس، قطع فوری جنگ و خروج نیروهای نظامی کشورهای امپریالیستی از منطقه خلیج فارس و دریای مدیترانه در صفر ۱۱

اتحاد شوروی خواهان قطع بیدرتنگ جنگ شد در صفر آخر

ماه گذشته سازمان عقوبین المللی گزارش مفصلي درباره کارنامه سپاه پامالی حقیق و انسانی در جمهوری اسلامی منتشر ساخت. این گزارش گوشه ای از زنجار بی ترحمی را که در فراموشخانه های رژیم خمینی علیه هزاران مین میهن دوست ایرانی صورت می گیرد، منعکس کرده است. در این گزارش به گوشه ای از زنجیره های رنج و آلام در جمهوری اسلامی نظیر نقض حق انتخاب و کیل، حق فرجام خواهی برای زندانیان سیاسی، گرفتن اعتراف از زندانیان بوسیله وحشیانه ترین شکنجه ها توسط با زجویان، محاکمات چند دقیقه ای در دادگاه های "شرح" که محکومیت های طولانی و یا اعدام را بدنبال دارد، اشاره شده است. در این گزارش پس از شرح انواع شکنجه های دهمشانه در زندان های خمینی و نقل گزارش های از زندانیان از زبان زندانیان سیاسی ایران و تصاویر متعددی از قربانیان شکنجه، ازبای های متورم و مجروح آنها و آثار شکنجه بر روی زندانیانی که بر اثر شکنجه معلول شده اند، چاپ شده است.

درباره قانون "مکتبی" کردن ارتش

ماه گذشته، سردودم بحث پیرامون "طرح قانونی ارتش جمهوری اسلامی ایران" در مجلس خمینی جریان داشت. این طرح کام دیگری است در جهت پیشبرد نقشه های ارتجاعی رژیم در ارتش. رژیم خمینی از نخستین روزها کمیتش تا کنون تلاش بمنظور استقرار مصلحت های ارتجاعی در ارتش و تبدیل نیروهای مسلح به مجری نیات ولی فقیه را دنبال کرده است. تفسیرهای گسترده، ایجاد دود آبرسیسی، ایدئولوژیکه گسیل آخوندها و روحانیون طرفدار خمینی به درون ارتش، تبلیغات همه جانبه برای شستشوی مغزی سربازان و پیرسپل کادر، برقراری اجباری مراسم مذهبی، تصویب سبدهای ارتش، ایجاد سنس ارتجاعی رژیم شاهنشاهی نظیر اطاعت کورگورانه و منع دخالت ارتش در امور سیاسی، از جمله اقداماتی است که رژیم جهت تسلط بر ارتش و قرار دادن آن در برابر خلق بکار گرفته است. برآی پیشبرد این سیاست، رژیم سرکوب وحشیانه مبارزه انقلابی و صلح طلبانه بر سرن ارتش، و فریاد نداشتن روح مبارزه جویی ناشی از انقلاب بهمین راه شدتی روزافزون دنبال کرده است. اما مجموعه این تلاشها هنوز نتوانسته است ارتش را به ابزار مطمئن حکومت آخوندها بدل کرده و اطمینان و رضایت آنها را جلب نماید. رژیم در پیبشبرد سیاست "مکتبی کردن" ارتش از یکسویا مقابلهت سربازان و پیرسپل انقلابی و سوی دیگر با رکنتی بقایای افسران سلطنت طلب که در رویای دوران گذشته و تبعویض نظم آخوندی با نظم شاهنشاهی برمی برند، مواجه است. اینک رژیم با تصویب طرح تازه در مورد ارتش می کوشد سیاستهای ارتجاعی خود در نیروهای مسلح را قانونیت و استحکام بیشتری ببخشد. اصول اساسی این طرح مکتبی بر همان سیاست ارتجاعی گذشته رژیم است که اکنون بطور آشکارتر و پدیدارتر برده - بوشی مورد تاکید قرار گرفته است. در "طرح قانونی ارتش" تصریح شده است که "در تشکیل و تجهیز زنجیره در صفر ۱۱

برای نجات جان زندانیان سیاسی متحد شویم!

بین المللی معتقدند که تعداد اعدام شدگان بیش از اینهاست. کودکان ۱۱ ساله، پیرمردان و پسران زنانه که در همه جای فلسطین آوارش و آوارش عمل عفو می شوند، در جمهوری اسلامی اعدام شده اند. سازمان عقوبین المللی از جهان نیان دعوت کرده است که به جمهوری اسلامی فشار آورند تا به اعمال وحشیانه خود علیه زندانیان سیاسی پایان دهد و به جمهوری اسلامی نیز پیشنهاد کرده است تا "همه زندانیان سیاسی ایران بدون قید و شرط آزاد شوند، رژیم خمینی از بیگرو و دستگیری مخالفین عقیدتی خود دست بردارد، به زندانیان سیاسی مطابق قوانین بین المللی حق دفاع، انتخاب و کیل و فرجام خواهی داده شود، همه دادگاه های "شرح" منحل و مسیاق های بین المللی در مورد حقوق بشر از سوی جمهوری اسلامی پذیرفته شود، رژیم خود را با قوانین و موازین بین المللی منطبق کند، هرگونه شکنجه در زندانها قطع شود و اجازه تحقیق و کنترل در این زمینه به سازمانهای بین المللی داده شود.

انتشار گزارش "سازمان عقوبین المللی" که منعکس کننده گوشه هایی از جنایات وحشیانه رژیم قرون وسطایی خمینی بود، در سطح جهان بازتاب وسیعی یافت. بدنبال انتشار این گزارش سفارت جمهوری اسلامی در لندن و سپس وزارت خارجه رژیم شتاب زده و دستپاچه اعلامیه های منتشر کرد و با کمال وقاحت هرگونه شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی در ایران را تکذیب کردند. در پایان این تکذیب نامه های ردیبلانه تاکید شده بود که "لیتسه جمهوری اسلامی با کسانی که علیه این نظام مبارزه می کنند" برخورد قاطع می کند.

واقعیت آن است که مبارزه قهرمانانه زندانیان سیاسی در زندانهای رژیم و از جمله اعتصاب غذا و پیروزمندانه آنها دردی ماه سال پیش، افشاکری های سازمانهای انقلابی در داخل و خارج کشور در سطح بین المللی، مبارزه یکپارچه خانوادگی های زندانیان سیاسی و فشار افکار عمومی در میهن و در جهان، حاکمیت آبرو باخته خمینی را درمانده و مستاصل کرده است.

پس از اعتصاب غذا قهرمانانه زندانیان سیاسی - انصاری "سرپرست زندانهای رژیم در صحرای مطبوعاتی گفت: "من بعنوان یک مسئول، کلیه آثار و اقدامات تکذیب می کنم و معتقدم که زندانیان ما در نوع خود بی نظیر است. از آنجا که در سایر بقیه در صفر ۱۱

استمداد مجدد رفسنجانی از آمریکا

رژیم خمینی با شتابی روزافزون سیاست سازش با امپریالیسم آمریکا و جلب حمایت موثر صحرای حاکمه ایالات متحده را پیش می برد. سرمداران رژیم، از خمینی گرفته تا امام جمعه ها و سایر دست نشاندگان او هر چند هنوز در تبلیغات خود علیه "شیطان بزرگ" خط و نشان می کشند، برخاشگری می کنند و جوجال برآه می اندازند، اما از برای گردوغباری که بیامی میکنند، همچنان چراغ سبز نشان می دهند، بیامی فرستند و زیوانه آماجگی خود را برای کناره آمدن با "شیطان بزرگ" و زدودن مجدد با آن اعلام می دارند. در این میان، گسار و تبلیغاتی و هیاهوی "فدا امپریالیستی" تنها برای فریب دادن توده های مردم و پرده بوشی سیاست سازشکارانه ای است که رژیم در برابر امریکادار پیش گرفته است.

بسی در صفر ۹

بسی در صفر ۶

بسی در صفر ۹

بسی در صفر ۸

بسی در صفر ۷

بسی در صفر ۴

بسی در صفر ۳

بسی در صفر ۳

بسی در صفر ۵

بسی در صفر ۵

بسی در صفر ۵

بسی در صفر ۵

بسی در صفر ۵

بسی در صفر ۵

بسی در صفر ۵

بسی در صفر ۵

بسی در صفر آخر

بسی در صفر آخر

بسی در صفر آخر

بسی در صفر آخر

بسی در صفر آخر

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

برای نجات جان ... بقیه ازصفحه اول

زندانیهای دنیا، کاراساسی و سازنده برای مجرمین مورت نمی گیرد، اینمساله آنها را بهخمشوداشته است (روزنامه های ۶۵/۱۰/۲) وبا وقاحت تمام ادعا کرد: ما مطلقا زندانی سیاسی نداریم... یک سلسله متخلفینی داریم که جنایاتی مرتکب می شوند.

واقعیتهای آن است که سردمداران جمهوری اسلامی که با شعار "مرگ برضولایت فقیه" واجب القتل بودن همه مخالفین را اعلام کرده اند، مذبحانسه می کوشند با زندان و شکنجه و اعدام و با دروغ و جعل حقایق، وجود منحوس خود را چندصاحبی دیگر بر مردم تحمیل کنند. رژیم خمینی برای ادا محاسنات نکبت باارخودمیجوراست تا با سیاهترین شیوه های ترور و اختناق، هزاران تن از شریف ترین فرزندان خلق ایران را به بند کشد، شکنجه کند و اعدام نماید و هرگونه مخالفتی را با شدیدترین سرکوب یا سبک گوید. تنها در یک سال گذشته، تعداد کشتیوری از مبارزین انقلابی و در میان آنها صدها تن از اعضاء و کاردهای سازمان ماستکپرو شکنجه شده اند. رژیم برای کسب اطلاعات از دستگیرشدگان و برای آنکه آنان را وادار کنند عقاید خویش را انکار و سیاست و بدبختی ارتجاع حاکم را بید کنند، تا پای مرگ شکنجه شان می کند. تعدادی از این مبارزین زیر شکنجه های جلادان خمینی به شهادت رسیده اند. تاکنون نام ۲ تن از کاردهای سازمان و تعداد دیگری از سازمانهای انقلابی که بدست دژخیمان رژیم به هلاکت رسیده اند، منتشر شده است. حتی گروه های سیاسی اسلامی و محافل پیرامون حکومت نیز از سرکوب و شکنجه دژخیمان حاکم مصون نمانده و تعدادی از فعالین آنها اعدام شده اند. تعدادی از زندانیان سیاسی کشور مقودا لائشر شده اند و هیچ نشانه ای از آنها در دست نیست. مبارزینی که اخیرا دستگیر شده اند از حق ملاقات با خانواده هایشان محرومند. اینک زندانیهای ایران اینا شصت و هفت از زمین پرستان است که بیگانه "گناه" آستان داشتن نظرات سیاسی مخالف با سیاستهای سیاسی عقیدتی جمهوری اسلامی است.

آمار دولتی تنها تیرایان ۱۶۵ مبارزان انقلابی در سال گذشته را تایید کرده است. در روزهای اخیر بازم اخباری مبنی بر اعدام مبارزین اسیر در زندانیهای ایران و شهرستانها منتشر شده است. رژیم به قصد انتقام جویی از زندانیان اعدام شده فشار در زندانها را تشدید کرده است. از سرکوشش تعدادی از فعالین اعدام تاکنون به خبری در دست نیست. آخرین نمونه مقاومت و مبارزه دسته جمعی زندانیان سیاسی علیه سیاست سرکوب و خفان حاکم بر زندانیان، اعتراض زندانیان سیاسی زندان کوهردشت کرج به شیوه ها و مقررات خشن اداره زندان و رفتار غیر انسانی زندانیان بود. جان هزاران زندانی سیاسی که به مرگ تدریجی در فراموشخانه های خمینی محکوم شده اند، از زن و مرد جوان تا پیر مردان و پیرزنان و کودکان در معرض

خطر جدی است. کسانی که حتی دوران محکومیتشان به پایا نرسیده، در صورتی که به گفته سردمداران رژیم "توبه" آنان نژاد دستان و حاکم شرع و وزارت اطلاعات محرز نباشد" آزاد نمی شوند. همه این حقایق بر ضرورت تشدید مبارزه برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران، فرزندان قهرمان مردم ایران تاکید می کند.

ما از مردم مبارزان ایران دعوت می کنیم تا صدای اعتراض خود را برای نجات جان فرزندان اسیر خود، زندانیان سیاسی بلندتر کنند و نگذارند که دژخیمان ارتجاع به تنهائی برای پشت پرده خود ادا مدهند، مبارزه در راه آزادی زندانیان سیاسی، مبارزه برای همه آزادی در میهن مان است. ما باید دستهای ناپاک و خونریز جلادان جمهوری اسلامی را از زبان فرزندان قهرمان خلق که برای صلح، آزادی و دفاع از حقوق زحمتکشان مبارزه می کنند، کوتاه کنیم. دست در دست هم دهیم و در صف واحدی شعار زندانیان سیاسی آزاد بیا بگردد" را به جریب های برنده علیه بیدادگری های رژیم خونریز و جناحی بیکار خمینی تبدیل کنیم.

از همه احزاب، سازمانها، گروه ها و شخصیت های ترقیخواه، دمکرات و انقلابی میهنمان دعوت می کنیم که برای نجات جان انقلابیون اسیر که با وابستگی های مختلف سازمانی و دیدگاه های متفاوت در یک جا و بدست یک دژخیم شکنجه می شوند، بدریگ صف در برابر جوخه های اعدام قرار می گیرند، متحداً به مبارزه برخیزند، برای هدایت موثر این بیکار، ضروری است که اقدامات مشترکی برای دفاع از زندانیان سیاسی ایران صورت گیرد تا مبارزه در داخل کشور و فعالیت خانوادگی های زندانیان سیاسی را هماهنگ کند. لیست کاملی از نام همه مبارزین در دست، انقلابیون مقودا لائشر، تیرایان شکنان و انفرادی که زیر شکنجه به شهادت رسیده اند، همراه با اسناد و مدارک به محافل ترقیخواه و دیپلما بین المللی ارایه دهد، دادگاه های با حرکت حقوقدانان بین المللی برای محاکمه مسئولین رژیم جنایت پیشه خمینی تشکیل دهد و کارهای مشترکی در راستای افشای رژیم خمینی در برابر افکار عمومی ایران، جهان و منوروی ترکوندن برادران.

ما با دیدگاه همه احزاب سازمانها، شخصیت های انقلابی، مترقی و انسان دوست سرانجهان می خواهیم که در کارزار مبارزه برای نجات جان هزاران میهن دوست ایرانی که در معرض خطر جدی است، به ما یاری رسانند، آگاهاندهند تا نشانی که بیگانه "جرم" شان در گردنبدی و داشتن افکار مغایر اندیشه های پوسیده و ارتجاعی ولایت فقیه است تقریباً بی سیاست ترور و اختناق ارگانهای سرکوبگر رژیم شوند. با ننگ اعتراض علیه این خردسری ها را رسا تر کنند و رژیم فقها را برای پایان دادن به این جنایات بی شرمانه تحت فشار بگذارند. این خواست بدران، مادران، زنان نوجوده و کودکان معمولی است که عزیزانشان در زندانیهای رژیم با مرگ دست بگریبانند.

طرح پاسدار - دانش آموز

رژیم جمهوری اسلامی در راه تکمیل کادر مسوود نیا زسیا به پاسداران طرح جناحیکارانه تازه ای با عنوان طرح پاسدار - دانش آموز ارائه داده است. بموجب این طرح اوزال تحصیلی ۶۷ - ۶۶ سپاه - پاسداران افراد مورد نظر خود را از میان دانش آموزان جذب خواهند نمود. برای جذب دانش آموزان به این طرح و پیوستن به سپاه امتیازات مادی و بیسزه ای در نظر گرفته شده است. کسانی که به این طرح می پیوندند ما میانه تا ۱۰۰۰۰ ریال و چهار نفر از افراد تحت تکلف آنها ماهانه ۵۰۰۰ ریال تلقی میگیرد. پس از پایان دوره دبیرستان در صورت ورود به دانشگاه بملف سهمیه سپاه و در رشته های مورد نظر وی پاسدار، دانشجویان غیرانصورت به کار در سپاه یا طبق خواسته گردید، آنها با یدعتهدیسارند پس از پایان تحصیل حداقل ۵ سال در سپاه کار کنند.

این طرح انگکاسی است از توانایی رژیم خمینی در جذب و تکمیل کادر مورد نیاز سپاه و همه جبهه های جنگ که وی را وادار نموده برای جذب جوانان به جنبش - امتیازات مادی متوسل گردد. مزایای کادر شرایط کنونی اقتصادی کشور برای بسیاری از جوانان و خانواده آنها که فقر گران و بیگاری را بر سردهای خود احساس میکنند بر اهمیت و حتی در مواردی حیاتی است. انزوی روزافزون سپاه پاسداران رژیم رابه ارائه چنین طرحی واداشته است.

هدف دیگر رژیم از این طرح تحت نظر قرار دادن جوانان دوره دبیرستان، شستشوی مغزی و تسلیم آنها و آماده کردن آنان برای جنایات آینده است. سپاه پاسداران که به بازار عمده سرکوب رژیم خمینی، شکنجه و کشتار انقلابیون، سرکوب مبارزان کارگران، به خون کشیدن اعضاء و نظائر آنها بوده تا تبدیل گردیده است به کاردهای نیاز دار در کدها زنجوانسی انجام از سرگشته جنایت آمادگی یافته باشند پذیرش انزوا از مردم، نفرت از آزادیخواهان، نفرت از انقلابیون و بندگی فقها و سرمایه داران به آموزش در زندت نیاز دارد.

رژیم با اجرای این طرح خواهد کوشید کنترل خود را بر مدارس وادارده آن برداشته و افزایش دهد در صورتی پاسدار دانش آموز پاسدار - دانشجویان محصور تحصیلی اهرم دیگری جهت اعمال فشار بر جوانان و سرکوب مبارزان آنها خواهد بود.

میبایست با افشا و اهدا فاین طرح در میهنان جوانان تا مع از پیوستن جوانان نا آگاهی که ممکنست بخاطر مشوقهای مادی بدام افتند گردید. با یدایندنه تاریکی را که پیوستن به سپاه به رمنسان خواهد آورد برای آنان توضیح داد و با افشا اینس طرح در شرایط انفرادی حزب الهی که در مدارس و انزوی روزافزون مردم از سیاهان این نقشه جناحیکارانه رژیم رانیز با شکست مواجه ساخت.

بهران خلیج فارس ... بقیه ازصفحه اول

عمان است. تا زمانیکه جمهوری اسلامی ایران جنگ را که به سود نقشه های تجار و کارخانه های مبریا لیسم آمریکا در منطقه است، ادا نموده، واقع منطقه خلیج فارس همچنان متشنج باقی خواهد ماند. در مقابل بله با وضعی که در خلیج و منطقه پدید آمده فعالیت بین المللی برای خاتمه فوری جنگ شدت یافته است.

در اس این فعالیت ها، تلاش اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی برای استقرار صلح قرار دارد. در سه ماه گذشته فعالیت اتحاد شوروی کسه هموار خواهد نمود. قطع فوری جنگ ایران و عراق وحل اختلافات دو کشور از طریق مذاکره بوده است. بسیاری پایان دادن به این فاجعه، گسترش یافته است. این فعالیت ها در مسافرت معاون وزارت خارجه اتحاد شوروی به منطقه خلیج فارس، در دیدار رهبران شوروی و سوریه و در موضعگیری فعال علیه ادمه جنگ چهره - نمایی می کند. اتحاد شوروی همچنین می کوشد کوره زمین را برای یک اقدام موثر از جانب شورای امنیت سازمان ملل فراهم سازد.

"جامعه کشورهای عرب نیز خواهان قطع جنگ هستند. جامعه کشورهای عرب برای جلب حمایت اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل از خاتمه جنگ اهمیت بلند پاییدی را ما مرمندانگاره با این کشور کرده است. آنچه اهمیت این تلاش کشورهای عربی را برجسته می کند، موافقت سوریه با آن است. علاوه بر این، مع کشورهای عربی کنفرانس کشورهای غیرمتعهد نیز در آخرین نشست خود با صدور قطعنامه ای خواهان قطع جنگ ایران و عراق شده است. کنفرانس

کشورهای اسلامی نیز خواهان پایان یافتن درگیری دو کشور است.

همچنین با یدبه قطعنامه اخیر شوروی امنیت در رابطه با کاربرد سلاح شیمیایی از سوی عراق در جنگ اشاهر کرده در آن از اهرد طرف خواسته است که به جنگ برپا به عدالت و شرافت پایان دهند.

جنگ ایران و عراق وادامه آن موجب تضعیف جنبش های آزادیبخش منطقه خواهد شد. قدرت مقابل بله خلق های عرب علیه اسرائیل شده است. روشن است که میویونست های اسرائیل و محافل آمریکا سیاسی تشبیه آن را با تفسیر این وضع مخالفند. ریگسار پس از حادثه رزمنا و آمریکا بی ازپایان یافتن جنگ سخن گفت. ریچاردموری نیز در مسافرت اخیرش به منطقه در این جهت صحبت کرده بود. علیرغم این اظهارات، سیاست امبریا لیسم آمریکا در منطقه تشنج آفرینی و تداوم شراژدی جنگ است. آمریکا بهر هر بردار اصلی این جنگ بوده تاکنون کوشیده است که به طرق مختلف طرفین جنگ را در جدی یاری رساند که بتواند به جنگ بدون پیروزی، ادامه دهد. آخرین اقدام ریگان در موافقت با تصمیم اخیر دادگاه هلاهه مبنی بر پرداخت ۴۵۱ میلیون دلار به ایران نیز در همین جهت تا شریخواه دیگر. اظهارات اخیر ریگان را می توان از سوی، واکنش آمریکا در برابر ابتکار اتحاد شوروی برای قطع جنگ و تدارک کنفرانس بین المللی صلح در خاورمیانه و از سوی اقتضای "ایران گیت" دانست. علیرغم مخالفت آمریکا و اسرائیل، فشار جهانی برای قطع جنگ افزایش یافته و موقعیت رژیم خمینی را در منطقه و جهان تضعیف کرده و آن را در ادامه جنگ با دشواری های بیشتری مواجه کرده است.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

### بحران مسکن و تدابیر اوتجاعی رژیم

رشد با دکنکی شهرها که در اثر سیاستهای ضددهقانی و ضد مردمی رژیم طی سالهای پس از انقلاب ایجاد شده است، بی سابقه بافتنه و بحران مسکن را شدت داده است. امروز بیش از ۵۰ درصد درآمدنا چیزمستکشان را هزینه مسکن می کنند. درحالی که شهرهای بیسزوری حلسی آب و ده روز بزرگتر در حال گسترش هستند. بسیاری از زمکشان میهن ما حتی در شهرهای کوچک نیز بیسزوری می شوند. سرپنهایی برای خردسخت و بیگانه گندند. حجت الله زمانی نماینده مجلس ارتجاع ضمن اعتراف به واقعیت فوق درجلسه علنی مجلس گفت: "در شهرستان بر وجود مردم درگیر مشکل مسکن اند و خانواده های ۵ نفره هنوز زمین ندارند و در شهرستان های بزرگتر نیز خانواده های ۷ نفره تا کنون در نوبت ما نده اند. مشکل مهم، مشکل مسکن است."

چاهالما می متوسل شده است؟  
مساله اصلی در این رابطه مساله مالکیت بر زمین است. در زمان رژیم شاه مشتت سرمایه دار و زمین خوار با غلب زمینهای شهری و انحصاری کردن مالکیت بر زمین، قیمت زمین را بطور سرسام آوری بالا بردند و به تبع آن با بالا بردن قیمت مسکن و گرایش خانها، به غارت بی بندوبار زمکشان پرداختند. با سرنگونی رژیم شاه شورای انقلاب طی قانونی مالکیت بر اراضی موات را ملکی اعلام کرده و آنها را در اختیار دولت نهاد. شورای انقلاب منتخب خمینی علیرغم خواست میلیونها زمککش حاضر نشد از این گام می فراتر نهد. زمینهای بزرگ که توسط سرمایه داران و زمین خواران تحت عناوین با بیرونی و غیره غصب شده بود، در مالکیت آنها باقی ماند.

در سال ۱۳۶۰ مجلس اول "لاجه اراضی شهری" را با استناد به احکام ثانویه و به دلیل ضرورت آن به مدت ۵ سال به تصویب رساند. اما این لایحه حتی همان یک گام به پیش شورای انقلاب را که در شرایط ماههای پس از انقلاب برداشته شده بود، پس گرفت. تبصره ۲ ماده ۴ این لایحه می گوید: کسانی که قبل از تاریخ ۱۳۵۷ و ۲۱ قانون مالکیت یا چند قطعه زمین موات و یا با بیرونی هرومی شوند، می توانند از این قطعات به انتخاب خود تا حدصاب مذکور در ماده ۷ رانگاه دارند و برای آنها اجازه عمران بگیرند. یعنی مالکیت بر زمینهای موات نیز مجدداً به رسمیت شناخته شد. حاصل این قانون آن شد که زمینهایی که برخی تعاونی های مسکن کارگرمی و کارمندی پس از مدتها تلاش و مبارزه و دو بندگی، علیرغم مخالفت ها و کارشناسی آخوندها و ما مورسین دولتی از سازمان زمینهای شهری دریافت کرده بودند، پس از تنظیم و آماده سازی جهت ساختن در خطری با زنگنه به مالک قرار گرفت. در این مسوار مالک سابق با تکیه بر این قانون، برانگشته و خواستار سرگرفتن زمین بیلاوه خسارت نیز گردیده است. طبعاً دادگاههای شرع نیز طبق موازین اسلام به تحویل زمین و خسارت وارده به "مالک شرعی" آن رای می دهند.

مورسین در این لایحه، ماده ۸ آن بود که مالک را وادار می کرد تا پس از تفکیک حدصاب تعیین شده در ماده ۵ بقیه زمین را به قیمت عادلانه به دولت بفروشد. این ماده علیرغم مخالفت شورای نگهبان ارتجاع و بخش بزرگی از مجلسیان، زیر فشار زمکشان و آژانس شدیدی میز رات آنان، با تشخیص ضرورت آن طبق احکام ثانویه، به مدت ۵ سال تصویب شد. در عمل طبق گفته سرمداران رژیم تنها ۲/۱ درصد زمینهای متعلق شده طی ۵ سال شامل اینگونه زمینها بوده است و ۸۸ درصد اینگونه زمینها نیاز از سرمایه این قانون داشته اند. یعنی این قانون اساسی نتوانسته است مساله بحران مسکن را تخفیف دهد.

در ماه گذشته، در پایان دوزخ ۵ ساله، لایحه اراضی شهری دوباره به مجلس آورده شد. کمیسیونهای مجلس بر لنگوگام آن رای داده اند. مجلس کلیات آن را در شورای اول به تصویب رساند. آخوندها می رفسنجانی در توضیح ما هیت این تصمیم می گوید، مخالفین و موافقین رد لایحه ما هیت است اختلافی با هم ندارند، مساله بر تشخیص ضرورت است و این تشخیص ضرورت است و اگر این قانون در شورای اول به تصویب نرسد، ضرر عمده ای به کشور خواهد خورد. "معنی این جملات به زبان آدمیزاد این است که اعتراضات زمکشان در برابر تصویب تصویب لایحه برای رژیم خطرناک، بنابراین کلیات آن را باید تصویب کرد. ولی در شور دوم جهت حفظ مالکیت سرمایه داران و زمین خواران منحصراً در تشخیص ضرورت یعنی در حذف ماده ۸ با هم توافق می کنیم و یا حداقل بصورتی درمی آوریم که در عمل مشکلی برای مالکین فراهم نکند. آری، در این امر نیز توافق کردند.

در ماههای آرایلاجه مذکور چنین آمده است: "به موجب این مواد... هرگونه دخل و تصرف و تجاوز به اراضی شهری متعلق یا منتقل شده به دولت و شهر دار رینها و یا حوادث هرگونه بنا بدون پروانه

مجاز و... جرم شناخته می شود و دادگاهها موظفند... توسط قوای انتظامی اراضی مورد تجاوز و زرق تصرف و تاجا و زنا بیند.

نمایندگان مجلس ارتجاع، بویژه هاشمی رفسنجانی سعی نمودند لایحه مزبور را اقدامی در جهت کاهش بحران مسکن و جلوگیری از "شدتیمتها" و علیه سرمایه داران و بسود زمکشان قلمداد کنند. این لایحه بدون اینکه کوچکترین وظیفه ای را برای حل بحران مسکن بردوش دولت ارتجاع بگذارد، از ارکانهای قضایی می طلبد که توسط قوای انتظامی از "احداث هرگونه بنا بدون پروانه مجاز" توسط مردم زمککش جلوگیری نموده و از اراضی مورد "تجاوز" رفع تصرف و تاجا و زنا نمایند.

برای روشن تر شدن معنای عملی رفع تصرف و تجاوز، نگاهی به عملکرد ارکانهای اجرا بر رژیم در سالهای گذشته در رابطه با مساله فوق ضروری است.

سیاست رژیم در برابر بحران مسکن همچون عرصه های دیگر، به فلانکت شدن هر چه بیشتر توده ها و فراموش کردن زمین برای رفرت و جیبا و ز زمکشان توسط سرمایه داران و زمینداران بزرگ بسوده و می باشد.

به پیروی از این سیاست، ارکانهای قضایی و اجرایی رژیم از یک سو به تخریب آلودگیهای زمکشان و سرکوب دستنشان حرکت اعتراضی آنان در این زمینه پرداختند و از سوی دیگر زمینها را برای غارتگری سرمایه داران و بسا زوب فروش ها فراهم نموده اند.

طی چند سال اخیر خانه های بسیاری از زمکشان در حاشیه شهرهای بزرگ بخصوص تهران توسط ما مورسین رژیم خراب شد و حرکات آنها سرکوب گردید. تخریب خانه های مردم زمککش در مناطق شهری، قلمه حسن و جاهه نظامی از آن جمله بودند.

چندی پیش محمدنسی حبیبی شهردار تهران ضمن دفاع بی شرمانه از تخریب خانه ها و سرکوب مردم گفت: "دربر خورده با تخریب ساختن بنا بی شرمانه مساله مورد توجه باشد که یک عده مستضعف رفتند و اموال خانه و فرش زیر پای خود را فروختند و یک چار دیواری درین گردنند و شهر داران آمدند و آنها را تخریب کرد. قضاوت را بدست احساسات دادن کار درستی نیست. باید مجموع مصالح جموری اسلامی را در نظر گرفت" (اطلاعات ۶۴/۵/۷). در همین مصاحبه یکی از نمایندگان اصلی شهردار رینها را "جلوگیری از ایجاد ساختنهای غیر مجاز" دانست. روشن است که سرمایه داران و اقلیای آنها و آخوندها نیازی ندارند که ساختمان بدون جواز بنا کنند.

چراکه اجازه هر چه ارکان خود رژیم، تقدیم آنان می کند، این زمکشان را کشور هستند که از روی ناچاری و بی مسکنی به چنین اقداماتی روی می آورند. بویژه که رژیم خرد است آنرا در زمینها خانه سازی برای مردم آسوده کرده است. در این زمینه چند سالی پس از اظهارات شهردار مرتجع تهران، سراج الدین کار زرونی وزیر مسکن و شهرسازی بنا صراحت تمام گفت که: "... اصول سیاست دولت در ساختن مسکن نیست، یعنی دولت موافق است که مسکن را خود مردم از طریق سرمایه گذار یا خودشان بسازند. البته تسهیلات بانکی هم باید باشد." وی در ادامه همین مصاحبه افزود که پروژه های ساختمانی ۵۰ واحد به پایین به بخش خصوصی واگذار خواهد شد.

بنابراین طی سالهای گذشته دست اندرکاران رژیم نه تنها قدمی در جهت حل معضل مسکن زمکشان برنداشتن، بلکه آشکارا اعلام کردند که "اصولاً سیاست دولت در ساختن مسکن نیست". آنها همچنین از یک طرف اعلام کردند که "مصالح جمهوری اسلامی" ایجاب می کند که خانه های زمکشان تخریب شود و از سوی دیگر اقدام نمودن تسهیلات بانکی را به بخش خصوصی نوید دادند. با توجه به آنچه گفته شد می توان نتیجه گرفت که اولاً:

آنچه که در زمینه اراضی شهری در مجلس به تصویب می رسد ادامه منطقی سیاستی است که تا کنون از سوی ارکانهای قضایی، انتظامی، و اجرایی رژیم به مورد اجرا گذاشته می شد؛ ثانیاً لایحه مزبور با قرار قانونی است در خدمت تخریب هر چه بیشتر خانه های زمکشان در حاشیه شهرها بدین ترتیب تا بنون موقوف به تنها و خاتم وضع مسکن زمکشان را رفع نمی کند، بلکه چاقوی مجرمان سیاستی رژیم را نیز برای دریدن گلبوی زمکشان نیز تر خواهد کرد.

البته با بدت کاید کرد که زمکشان میهن ما تماشاگر منفعل سیاستی ضد مردمی رژیم در این زمینه نبوده و نیستند. آنها با مبارزه فداکارانه خود طی سالهای گذشته توانستند از اجرای مقاصد شوم دست اندرکاران رژیم مبتنی بر تخریب خانه های زمکشان جلوگیری کرده و آنرا به عقب نشینی های جدی وادارند. از اینرو این بار نیز با مقاصد و مقاصد یکپارچه خود دیگر رگیری تجارب مبارزاتی خود می توانند رژیم را به عقب نشینی های جدی تری وادار نمایند.

از آنجا که ما داشتن مسکن مناسب، یکی از خواستهای

### آرزوهای شوم برای آینده عراق

دوم اردیبهشت ماه سال جاری، خامنه ای رئیس جمهور رژیم "ولایت فقیه" با اعضای جریان دستناده "مجلس عالی عراق" دیدار و گفتگو کرد. او در این دیدار ضمن تاکید بر "ضرورت تخریب کارهای سیاسی و نظامی برای اداره نظام آینده عراق" توسط آخوندهای عراقی بیروولایت فقیه گفت: "شکی نیست که ما به آینده عراق و سیستم سیاسی، نظامی و اجتماعی که مغایر با نظام کنونی است، علاقمند هستیم و دنیا هم این رای می داند. و به دنبال آن رهنمود داد: "مردم عراق و افکار عمومی جهان باید بدانند پیشینها مدجلسه عالی انقلاب اسلامی عراق چیست. من پیشینها دگرمد که قانون اساسی آینده عراق را تنظیم و ارائه کنند و اگر این فکر تصویب شود، تکلیف آینده عراق را نیز مردم روشن خواهد شد."

گفته های اخیر خامنه ای، تا کید مکرر بر آرزوهای شوم رژیم خمینی برای آینده مردم عراق در نبود رژیم صدام است. رژیم خمینی آرزوی کند که رژیم صدام را ساقط و به جای آن نمونه دیگری از رژیم نفرت انگیزی را که بر مردم ما تحمیل کرده است را با زور قلب کند. در راستای چنین امیال بلیسندی است که رژیم خمینی، مجلس به اصطلاح عالی انقلاب اسلامی، مجلس آخوندی را پی ریزی کرده و آن را بطور همه جانبه تقویت می کند و می گوید که کودتا بر نیروهای مبارز عراق بویژه مبارزان کرد را به اتحاد با مجلس اعلا جلب کند. هدف ملاهای مکار حاکم بر ایران از چنین تاکتیک ها می آن است که نیروهای ضد صدام را در بنام سعادت خود خنده و مجلس کشا نشی به قدرت کند. احزاب امیل و انقلابی چپ دمکراتیک عراق را منزوی کند. جبهه دمکراتیک میهنی (که تنها آلترنا تیا انقلابی در عراق است) را منقرض نماید، تا تحولات آتی در عراق را به نفع اهداف شوم خویش سمت دهد. جنایات رژیم خمینی در کردستان ایران که نزدیک به ۳۰ سال است هم میهنان کرد ما را به خاک و خون می کشد، مویذ آن است که رژیم خونخوار خمینی هیچگاه برای خود مختاری کردستان عراق دل نمی سوزاند. به همین دلیل لازم است که مبارزان کرد صبا و خود را از خضاب جمهوری اسلامی جدا کنند.

کمیونست ها و نیز بخش مهمی از گروه های مبارز عراقی، آرزوهای رژیم آخوندها را در یافته و توسط های انرا خنثی کرده می کنند. در این رابطه است که حزب کمیونست عراق اعلام داشته: "ما به طور اصولی با نیات جمهوری اسلامی ایران دایر بر صدور "انقلاب اسلامی" به عراق توسط جنگ و تحمیل صوری ایران" به مردم عراق مخالفیم. وظیفه خود می دانیم تا بر فراخوان حزب کمیونست عراق مبتنی بر وحدت همه نیروهای میهن پرست و احزاب ترقی خواه، به وحدت، همکاری و بسیج شما می امکانات برای پایان بختیدن به جنگ و تحقق آلترنا تیا دمکراتیک جهت تامین دمکراسی برای عراق و خود مختاری برای کردستان تاکید کنیم و همصدا با آنها اعلام نما بیم که مردم عراق توسط های رژیم خمینی را عقیم خواهند گذاشت و نظام آینده حکومتی خود را آزادانه و متناسب با خواست و منافع خود تعیین خواهند کرد و بر استحکام دوستی بین خلقی ایران و عراق قوا خواهد افزود.

سازمان مائو طوطه رژیم و مجلس دست نشانده اش را برای تحمیل یک دیکتاتوری قریب وسطایی مذهبی ارتجاع حکومت خمینی در عراق را محکوم می کند و او را طمینان دارنده مردم عراق به حکومت دست پخت خمینی و آخوندهای عراقی تن نخواهد داد. سنا بویچه که اینک مجلس آخوندهای عراقی بیروولایت فقیه می خواهند برای آینده مردم عراق بنویسند، نسخه بدل و کهنه ای رژیم جنایتکار است که خمینی و دارو دستش اس سالهاست بر مردم ستم دیده میهن ما تحمیل کرده اند.

اساسی زمکشان میهن ما ست و رژیم بنا به ما هیت خود، قادر نیست جهت تحقق این خواست اساسی حرکت نماید، و بحران مسکن نیز روز بروز در حال گسترش است. پیش گسترش حرکات اعتراضی توده ها در این زمینه کار چندانی دشواری نیست. این وضعیت از فاعلین فدا می می طلبد که همچون گذشته پیشاپیش توده های زمککش ضمن افشای اهداف ارتجاعی لایحه مذکور، در سا زمانهای حرکات اعتراضی مردم و تقویت تعاونی های مسکن کارگری و کارمندی و تقویت مبارزه آنان، نقش فعالتری را ایفا خواهند کردند.

دست اندرکاران رژیم هر قدر در ایجاد دشمنان بر توده مردم بیشتر فشار می کنند، به همان اندازه با عت گسترش اعتراضات توده ای علیه رژیم حاکم خواهند شد. به همین دلیل ایجاد دوگسترش ها و نیهای محلی و سراسری مسکن، ایجاد تشکل های مناسبت توده ای در اشکال مناسب و مقتضی، در شهرهای مختلف کشور، بویژه در میان حاشیه نشینان شهرهای بزرگ، حول مبارزه علیه تخریب خانه های زمکشان به یک ضرورت مبرم تبدیل شده است. فدا ثیان خلق با بد در پا سخگویی به این ضرورت، امکانات موجود را بکار نندازند.





### حلقه‌های اصلی بسیج توده‌ای کارگران

سازماندهی جنبش اعتراضی و مطالباتی توده کارگران و ارتقاء آن به سطح مبارزه سیاسی علیه رژیم، ازبهرم ترین وظایف کمونیست‌ها میهن‌ماست. ارتقاء سطح این مبارزه درگرو آنتست که مطالبات و شعارهای جنبش توده‌ای کارگری ازحیطه منافع اقتصادی کارگران فراتر رفته و با مطالبات و شعارهای جنبش عمومی خلق پیوند یابد.

سازماندهی توده کارگران درتشکل‌های مستقل طبقاتی و بسیج توده‌ای آنها، حول میهم ترین مطالبات و شعارهای جنبش کارگری و انقلابی بستر اصلی فرا رویی جنبش مطالباتی و اعتراضی کارگران به مدارج عالیتر مبارزه انقلابی است. هرچه دامنه بسیج توده‌ای کارگران گسترده‌تر و تشکل طبقاتی آنها مستحکم‌تر باشد و هرچه پیوند طبقه کارگر با پیشروانش جدی‌تر باشد، نقشی و نقل طبقه کارگر در جنبش انقلابی مردمی و زین‌تر خواهد بود. تنها درحربان مبارزه است که طبقه کارگر به یاری پیشروان خود رسالت و نقش یگانه ویی بدیل خود را در هدایت جنبش عمومی خلق درمی یابد و ظرفیت سیاسی و انقلابی اش را نشان میدهد.

ملک انقلابی بودن و سیاسی شدن طبقه کارگر، با میزان درکی که این طبقه از رسالت خودیمنانه طبقه رهبر پیدا میکند مشخص میگردد. لنین میگوید: "طبقه کارگر آن اندازه انقلابی است که ایده سرکردگی را بپذیرد." برای آنکه طبقه کارگر میهن ما ایده سرکردگی را بپذیرد، برای آنکه مقام خویش را یمنانه بپذیرد ترسیستن و انقلابی ترین طبقه جامعه گردد و نقش سبینه خود را در جنبش مردمی و انقلابی ایفاء کند، نخست باید ضرورت شرکت فعال، مستحکم و مستقل خود را در جنبش عمومی خلق در یابد و مطالبات و شعارهای خود را به اهداف و منافع صنفی و اقتصادی و مبارزه علیه این یا آن کارفرما و سرمایه‌دار محدود نکند.

سوق دادن توده‌های وسیع کارگران به مبارزه سیاسی مستحکم، نمیتواند بدون سازماندهی مبارزات صنفی ورفا هی آنان صورت گیرد. برای بسیج هرچه گسترده تر توده کارگران باید قادر بود شعارها و مطالبات اقتصادی آنان را بدرستی طرح نمود و با تکیه بر تاجربا شخص خودکارگران این مبارزه را پیش برد. در شرایط کنونی، مهمترین عرصه‌های پیوند میان مطالبات اقتصادی و سیاسی کارگران عبارتند از: جنبش ضد جنگ و روابط آن با شرایط کار بویژه امنیت صنفی، مبارزه علیه سیاست سرکوب و اختناق حاکم بر جامعه و محیط کار، مبارزه برای تدوین قانون کارمترقی، مبارزه علیه بازنس دادن کارخانجات ملی شده به بخش خصوصی، مبارزه با سیاستهای ضد دموکراتیک رژیم در تعاونیهایی مصرف و مسکن کارگری و...

هریک از این عرصه‌ها زمینه‌ایست برای بسیج توده‌ای کارگران و ارتقاء سطح مبارزاتی آنان. مثلا توده کارگران در مبارزات خود برای حل مشکل مسکن، با سانی دور تعاونی مسکن حلقه میزنند، اگر این مبارزه بهمین جا محدود بماند، مبارزه ایست صنفی و کم اثر. اما توده کارگران به یاری پیشروان خود در مبارزه برای حل مشکل مسکن به روابط موجود حاکم بر جامعه پی میبرند، نقش زمینخواران شهری، نقش بورژوازی تجاری و دلالان صنعت در تئیه و توزیع مصالح ساختمانی و مهمتر از همه، رابطه آنها را با دولت بطور مشخص می فهمند و می بینند که چگونه اهرم‌های حکومتی و ادارات دولتی در خدمت منافع این افسارو طبقات غارتگر است.

همچنین، کارگران در حربان مبارزه توده‌ای مستحکم حول تعاونیهایی مصرف، نقش غارتگرانه سرمایه داری تجاری و نظام با زار، شبکه توزیع آن و سیاستهای ضد مردمی رژیم را در این رابطه تجربه میکنند و مجال آنرا می یابند که نه تنها با عناصر دزد این یا آن تعاونی، بلکه علیه مجموعه این شبکه غارتگرانه و سیاست حاکم و حاکمیت جمهوری اسلامی مبارزه کنند و این مبارزه را با مبارزه دیگر طبقات و اقشار زحمتکش جامعه پیوند دهند. در عرصه‌های دیگر مبارزه نیز میتوان این رابطه را در حربان مبارزه به توده کارگرانی که حول این یا آن خواست مهم صنفی مشکل میشوند و مبارزه میکنند، نشان داد. اما در میان همه عرصه‌های فوق الذکر، موثرترین و مهمترین حلقه‌ها برای بسیج توده‌ای و مستحکم کارگران در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی

عبارتند از: مبارزه علیه جنگ و اخراج توده‌ای کارگران و مبارزه علیه اختناق پلیسی حاکم بر جامعه و محیط کار.

**بسیج توده‌ای کارگران در مبارزه علیه جنگ**  
ورژیم جنگ طلب و پیوند این مبارزه با جنبش ضد جنگ دیگر اقشار و طبقات جامعه، بیش از هر چیز با سازماندهی مبارزات صنفی کارگران علیه اخراج و بیگاری ملازمه دارد. توده کارگران این باید بدانند که اولات اخراج و بیگاری مولسو د جامعه سرمایه دار است و رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی از این قاعده مستثنی نیست. تنها سوبالیم است که این بیماری مزمن را ریشه کن میکند. ثانیا - اقتصاد بحران زده رژیم سرمایه داری آخوندها که در اثر ادامه جنگ دچار ورشکستگی شده است، علت اصلی شدیدیست فشار علیه کارگران و زحمتکشان و گسترش دامنه اخراج و بیگاری کارگران است. مسبب اصلی این وضعیت نیز رژیم جنگ طلب و فاسد مردمی خمینی است. باید با نشان دادن رابطه تنگاتنگ میان شرایط دشوار زندگی کارگران بویژه اخراج و بیگاری وسیع آنها، با سیاست ادامه جنگ رژیم و دفاع آن از منافع سرمایه داران، زمینداران و تجار غارتگر، مبارزه توده‌ای کارگران حول حق کار و امنیت صنفی، با زکشت به کار و تامین بیمه بیگاری را با مبارزه علیه جنگ و رژیم جنگ طلب حاکم پیوند داد. امنیت صنفی، خواست همه کارگران شاغل است، با زکشت به کار خواست همه کارگران اخراجی است و دریافت حق بیمه بیگاری تنها با زکشت به کار مناسب، نیز خواست حداقل توده کارگران اخراجی و بیگار است. در شرایط کنونی بواسطه بحران اقتصادی و ادامه جنگ، اخراج و بیگاری کارگران شاغل را نیز تهدید میکند. و چشم انداز با زکشت به کار را برای کارگران اخراجی نیز تیره میسازد. باید برهما هنگی اتحاد میان کارگران شاغل و اخراجی در مبارزه مشترک علیه اخراج و بیگاری تاکید کرد. با بسند مبارزه برای جلوگیری از اخراج کارگران در مبارزه برای با زکشت به کار کارگران اخراجی در هر واحد مشخص هما هنگ شوند. اما در شرایط کنونی، با توجه به چشم انداز بحران و جنگ، مهمترین حلقه اتصال میان کارگران شاغل و بیگار و موثرترین شعار برای تقویت این اتحاد و بسیج توده‌ای کارگران علیه اخراج، شعار حق بیمه بیگاری است.

تا مین بیمه بیگاری بمعنای دریافت حق بیمه کافی تا هنگام با زکشت به کار مناسب است. توده‌های وسیع بیگاران را اساسا حول این شعار میتوان بسیج و مستحکم کرد. طرح و اجرای این خواست، مستلزم افشای لایحه بیمه بیگاری رژیم است.

**توده کارگران بیگار را نمیتوان در شرایطی که با زکشت به کار و در جستجوی کارهای دیگر ( نظیر دست فروشی، دکان داری، مسافر - کشی و غیره) برانگشته شده اند به آسانی حول شعار با زکشت به کار بسیج کرد. اما کارگران اخراج شده و بیگاری را که حق بیمه بیگاری دریافت میدارند و هنوز بوسیله این رشته مادی بسیج کرد و ارتباطشان را با واحدهایشان و سایر کارگران شاغل حفظ و تحکیم کرد. یکی از وظایف مهم هسته‌های مخفی کارگری ما باید کار منظم در میان این بخش کارگران برای تحکیم پیوند آنها با کارگران شاغل و سازماندهی مبارزات آنها برای با زکشت به کار مناسب، با استفاده از همه امکانات علنی و قانونی از قبیل مراجعه به مراکز مربوطه دولتی باشد. در حربان همین مراجعات علنی و قانونی است که هسته کارگری باید امکان حرکتهای دسته جمعی و سازماندهی این حرکتها را با طرح شعارهای مشخص، در نظر گیرد و همواره با این دورنما حرکت کند که هدف آنها دریافت حق بیمه مناسب نیست بلکه فراتر از آن، توضیح رابطه میان ناسامانی وضعیت کارگران با سیاستهای ضد کارگری و جنگ طلبانه رژیم و سوق دادن توجه کارگران به ضرورت مبارزه مستحکم علیه جنگ و رژیم جمهوری اسلامی است.**

**عرصه اصلی دیگر در پیوند میان مبارزات صنفی توده‌ای کارگران را مبارزات سیاسی عام عبارتست از مبارزه علیه اختناق پلیسی در کارخانه و جامعه. مهمترین حلقه اتصال میان مبارزه دموکراتیک کارگران در کارخانه و مبارزه برای آزادیهای سیاسی عام، شعار اتحاد لایحی است.**

مخاطب این شعار در شرایط کنونی و بسیج - گران این شعار در جنبش توده‌ای کارگری، در

شماره‌های پیشین کار به کرات سخن گفته و تاکید کرده‌ایم که انجمن اسلامی تنها یک نهاد پلیسی و سرکوبگر و جزئی از شبکه اختناق پلیسی حاکم نیست، بلکه در عین حال مظهر ایدئولوژیک ولایت فقیه در محیط کار نیز هست. مبارزه برای انحلال انجمن اسلامی معنایش مبارزه برای برچیدن دفتر دستک چند روشی مترجم و فرست طلب از این یا آن واحد نیست، بلکه مهمتر از آن مبارزه ایست بیکرانه برای توضیح و افشای ماهیت ضد دموکراتیک، ضد کارگری و عمیقاً ارتجاعی ولایت فقیه برای توده کارگران. عرصه ایست از مبارزه صنفی، سیاسی و حقوقی ایدئولوژیک علیه تمامی دستگاه حاکم و مزدوران و شخصیات در این یا آن واحد.

مخاطب این شعار و این مبارزه در تداوم خود میتواند به شعار انحلال ساواک خمینی نیز منجر شود. همچنانکه در مهر و آبان ۵۷، شعار انحلال ساواک شاه به فهرست شعارها و مطالبات صنفی و سیاسی طبقه کارگر ایران افزوده شد.

توده‌های میلیونی کارگران و زحمتکشان ایران تنها در حربان تجربه مبارزه مشخصان علیه این یا آن ارگان، علیه این یا آن سیاست و در پرتو تبلیغ و ترویج مستمر پیشانگهان نشان موفق میشوند، مگاتب عالیتر مبارزه را بگذرانند. شعار انحلال انجمن‌های اسلامی - شعار یست که تنها کارگران بلکه کارکنان و زحمتکشان همه واحدهای و ادارات دولتی، همه مراکز آموزشی و خدماتی و حتی روستاها را نیز در بر میگیرد. لذا بستر مشترکی را برای پیوند مبارزات کارگران با نیروهای اجتماعی دیگر فراهم می آورد. هر نیروزی و هر دستاورد کارگری در مبارزه علیه این ارگان میتواند پشتوانه و الگویی برای تقویت مبارزه دیگر اقشار علیه اختناق پلیسی حاکم باشد.

تاکید بر شعار انحلال انجمن‌های اسلامی، امروز از این نظر نیز اهمیت دارد که حکومت کهنه مداخله حوسیه‌های انجمن در امور صنفی و اجتماعی کارگران است. این شعار، راه مبارزه برای تامین حقوق دموکراتیک و آزادی‌های سندیکی و ایجاد تشکل‌های مستقل صنفی را هموارتر میکند.

در حال کارایی اصلی این شعار در آنست که مبارزه دموکراتیک توده کارگران را در پیوند با مبارزه دیگر اقشار و طبقات، علیه اختناق پلیسی و سرکوب قرار میدهد و راه تعمیق آنرا به مبارزه توده‌ای و متشکل طبقه کارگر برای آزادی، علیه رژیم پلیسی حاکم هموار میکند.

به میدان کشیدن سازمان یافته توده کارگران برای آزادی، حاش اهمیت سیاسی سرنوشت ساز است. موفقیت پیشروان طبقه کارگر در بسیج توده‌ای کارگران بخاطر آزادی، علیه رژیم خمینی، این امکان را بنا می دهد که تگذارند بر چرم آزادی بدست نیروهای بورژوازی و نا پیگیر بيفتند.

**انچه که گفتیم محورها ی بسیج توده‌ای کارگران حول شعار صلح و آزادی، علیه رژیم جمهوری اسلامی بود. اما بسیج توده‌ای کارگران تنها با رهنمودها و هدایت سیاسی سازماندهی پیشکاهنگ طبقه کارگر عملی نمی‌تود، بلکه باید سازمانی کارگری نیز برای رهبری مستقیم جنبش توده‌ای طبقه کارگر داشت. بدیهی است که در شرایط فحان پلیسی نمیتوان اتحادیه‌ای با ساختار و ضوابط دموکراتیک کامل داشت. در چنین شرایطی همچنانکه با رها گفتیم، حلقه اصلی سازمانگری مبارزات صنفی طبقه کارگر، ایجاد هسته‌های مخفی کارگری است. هسته‌ای که در عین حال باید ضمن اتکاء به محفل‌های مورد اعتماد کارگری، از همه امکانات علنی موجود نیز برای هدایت و سازمانگری جنبش کارگری استفاده کند. مختصات اصلی این هسته‌ها، عبارتست از: تلفیق میان کارمخفی**

کارگران پیشرو! هسته‌های مخفی کارگری را سازمان دهید، از همه امکانات علنی برای سازماندهی مبارزات کارگران استفاده کنید

### بسوی تدارک کنگره

پلنوم وسیع فروردین ماه سال ۱۳۶۵ کمیته مرکزی سازمان تدارک برگزاری نخستین کنگره سازمان را در دستور کارهای سیاسی قسرا داد و موضوعات مورد بحث آنرا معین نمود. اخیراً نیز هیات سیاسی طی گزارشی اقدامات انجام گرفته در تدارک کنگره را به اطلاع کارها و اعضای سازمان رسانید.

"کنگره عالی ترین ارگان نام الاختیار و دارای حاکمیت مطلق در حزب است که اراده و اهداف و وظایف آنرا تعیین می نماید." این مفهومی است که تقریباً در تمام اسناد اساسی ما از اجزای پارکمیست - لنینیست به اشکال مختلف تعریف کنگره گفته می شود. یعنی تمامی اسناد اساسی کارآیدولوژیک سیاسی و سازمانی هر حزب پارکمیست - لنینیست توسط کنگره آن معین می شود.

در سطح مختلف تشکیلات یک حزب، از سازمانهای اولیه تا کمیته‌ها، مجامع عمومی سازمان مربوطه با هدف تعیین سیاستها و وظایف عملی سازمان مربوطه، در چارچوب خط منشی سیاسی حزب تشکیل می شود. مثلاً جلسات عمومی در سطح سازمانهای اولیه و کنفرانسها در سطح کمیته‌های حزبی تجلی اراده سازمانهای مذکور می باشند. کنگره حزب عالی ترین این مجامع و بیابانگرا اراده و خواست تمامی اعضای یک حزب، عالی ترین ارگان تشکیلاتی و رهبری است. در اسناد ما موقتاً سازمانها نیز گفته شده است: "عالی ترین ارگان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) کنگره سراسری است" کنگره تجلی خرد جمعی و اراده واحد حزب است.

کنگره قادر است با تکیه بر نیروی فکری و سازمانی کل حزب، تجربیات کسب شده در مبارزه انقلابی را توسعه بخشد و برای جمعیت‌های جدید، چشم اندازهای رشد و تکامل مبارزه آتی انقلابی را روشن سازد. و لنین می نویسد: "...وظیفه کنگره حزب انطور که ما درک می کنیم، عبارت است از فراگیری از تجربه عملی، به دور انداختن آنچه بیفایده است، جمع آوری آنچه ارزشمند است، تا آنکه تعدادی اقدامات بلاواسطه را به دقت تعیین کنیم

و این اقدامات را در تمامی عرصه‌ها بدون بیم از قربانی دادن، مستحق سازیم." (جلد ۲، کلیات آثار و مضامین ۷- ۴۰۵). با چنین وظایف سنگینی کنگره حزب مفهوم واقعی می باید اهمیت آن بر این پایه قابل درک است انجام چنین وظایف سنگینی صرفاً با بحث‌های نمایی و جلسات محدود و کنگره عملی نیست و می بایستی تدارک کنگره برای انجام بحث و گفتگوی درون حزبی و در صورت امکان حتی در سطح جنبش و جامعه به منظور تهیه اسناد و دستورالعمل ضروری، صورت گیرد. بدون چنین تدارک مقدّماتی که وسعت و گستردگی آن مربوط به شرایط فعالیت

حزب و قانونی یا غیرقانونی بودن آن است، اصولاً کنگره موفق نخواهد داشت. تا میسر شدن اراده و خواست تمامی اعضا، تنها به معنای شرکت نمایی در آنها در جلسات کنگره نیست، بلکه می بایست شرکت فعالانه و آگاهانه آنان و سازمان داد. لنین نوشت: "تنها به این شرط ما یک حزب واقعی خواهیم بود، حزبی که همواره قادر خواهد بود نظر خود را بر این کند و هیچ راه را نپسندد که آنرا از طریق یک نظر شکل گرفته راه تصمیمات کنگره‌ها یا کمیته‌ها تغییر دهد" (کلیات آثار جلد ۵، صفحه ۲۸۲). برای اینکه ضروری است دستورالعملها و پیش نویس اسناد در اختیار اعضا قرار گیرد.

و امکان مشارکت همه‌جا نیست آن در دروندتدوین اسناد فدرال می شود. این بیثباتی می باید در جلسات حوزه‌ها و ارگانها، مورد بحث قرار گرفته و نظرات ارگانهای بافردی اعضا بر اسناد آنها را به خود کمیسیون‌ها و ارگانهای تهیه کننده اسناد روی نظرات ارسال می دهسگاه کمیته مرکزی کسار

و علنی، بیپوند یا توده کارگران بویژه بسا محافل مورد اعتماد و با نفوذ کارگری استفاده از کمکها و امکانات آنها، استفاده از همبستگی امکانات و مراکز فعالیت منصفی علنی، ترجیح کیفیت کار بر کمیت آن یعنی محدود بودن هسته اصلی، محراب و مطمئن بودن اعضای آن و اجتناب از گستردگی کم و گسترش ساختاری هسته در شرایط کنونی.

لنن در "چه باید کرد" تصریح میکند که: "هسته کوچک‌تر هم فشرده‌ای از مطمئن ترین، محراب ترین و ورزیده ترین کارگران کسار، منطبق مهم، افراد مورد اعتماد داشته باشند، کاملاً می‌تواند تمام وظایفی را که یک سازمان منصفی بعهده دارد با استفاده از کمکهای وسیع توده‌ها و بدون هیچگونه شکل سازمانی مشخص انجام دهد. فقط از این راه می‌توان علیرغم ژاندارمها به تحکیم و گسترش جنبش منصفی و سوسال دموکراتیک نائل آمد. کسی که در رژیم سلطنتی مطلقه خواستار سازمان کارگری گسترده‌ای با انتخاب، گزارش دهی و انتخابات عمومی و غیره باشد، صاف وساده، پنهانکاری درمان ناپذیر است.

کرده و در تدوین نهایی اسناد برای ارابه به کنگره آنها را مورد توجه قرار دهند. از عوامل جدی در موفقیت کنگره، تلاش در جهت طی هرچه کاملتر این روند و با در نظر گرفتن شرایطی است که حزب در درون آن شرایط فعالیت می کند و از این آیدان شرایطی است که شرایط فعالیت می شود. این شیوه لنینیستی برخورد به کنگره دارای اهمیت زیادی است. لنین برای این امر که کنگره دارای مقفون واقعی باشد، احیای و ویژه‌ای قابل بود. او قبل از کنگره سوم حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه در ابتدای پرشتنا - های که تهیه نموده بود، نوشت: "در مناسطه قریب‌الوقوعی که در کنگره بیرون ما میسر خواهد شد، تشکیلاتی صورت خواهد گرفت، بسیار مطلوب خواهد بود که مشورتها و نظرات تعداد هرچه بیشتر از رفق که در روسیه کار کرده‌اند، به دقت در نظر گرفته شود و مورد بحث قرار گیرد. بنا بر این باید امکان داد که هر یک از این افراد عقیده خود را آزادانه و با سخاوت و خورابه سوالات زیر بیان دارد. همسایه تحریریه "و پروپوند" این نظرات را جمع آوری کرده و به کنگره ارجاع خواهد داد، تا بدین وسیله در میانیندهای از تجربه جمعی رفق بهره مند شود." (کلیات آثار - جلد ۵ - صفحه ۴۰۰).

کنگره با تصویب اسناد اساسی و تعیین رانتهای اصلی فعالیت حزب و انتخاب ارگانهای رهبری آن معنی پیدا می کند. کنگره بدون نهادهای کارکنانی از عالی ترین ارگان حزبی و دمکراسی درون حزبی خواهد بود. در اسناد ما موقتاً سازمانها وظایف و بحث و بررسی پیرامون گزارش کمیته مرکزی، تصویب برنامه و اسناد ما و یا انجام اطلاعات ضروری آنها، تعیین خط منشی سازمان و انتخاب کمیته مرکزی به عهده کنگره گذارده شده است. مصوبات کنگره برای تمامی ارگانها و اعضای حزب لازم الاجرا است و تنها کنگره بعدی می تواند آنها را لغو یا اصلاح نماید.

مجموعه رویدادها در کنگره، از جلسات عمومی سازمانهای اولیه، کنفرانسهای محلی و ناحیه‌ای، گزارش مسئولین به این مجامع و انتخاب پندگان کنگره و بویژه رویدادهای اسناد، تا برگزاری کنگره و تصویب گزارش کمیته مرکزی و دیگر اسناد و قطعنامه‌های ضروری انتخاب ارگانهای رهبری، یکی از مهم‌های دمکراسی درون حزبی و تحقق اصل اشتراک لیسم دمکراتیک در یک سازمان حزبی است. انتخابی بودن مقامات حزبی، آرایه گزارش از طرف آنان، اصل جمعی بودن رهبری، آزادی بحث و انتقاد، انضباط حزبی، تصمیمی بودن جرای تصمیمات ارگانهای بالاتر توسط ارگانهای پایین، تا بدین اقلیت از اکثریت و غیره، طی چنین روندی می تواند به عالی ترین شکل تحقق گردیده و حزب را به ارگان نیسی و واحدی گرا رچه، منضبط و آهنگین تبدیل نماید.

با یدتا کید نمود که اصول سازمانی حاکم بر احزاب پیشاهنگ پرولتاریا یکی است، اما اجزای و اشکال تحقق آنها بر حسب شرایط منصفی تغییر می کند. نیایستی به نقض اصول به دلیل ویژگی شرایط فعالیت حزب میدان داده شود.

تأکید بر انتخابی بودن نمایندگان کنگره وظی روندی که در تدارک کنگره شرح داده شد، ضروری است. کاملاً روشن است که حدود تحقق این روند منوط به شرایط فعالیت هر حزب است و در عرصه‌های مختلف آن شرایط در شرایط احزاب حاکم کارخفی محدودیت‌هایی در این امر وجود می آورد. اما محدودیت‌های موجود دلیل شرایط کارخفی نیایستی یا تعزیر کارگران و کنگره و عدم رعایت اصول سازمانی است. دموکراتیک در دمکراسی کسار در جنبش شرایطی باید تلاش شود تا با دعوت و انتخاب نمایندگان از سازمانهایی که بدلیل فعالیت در شرایط محلی قادر به انتخاب نمایندند، از طرف کمیته مرکزی و انتقالات نظرات اعضای آنها به هر طریق ممکن به نمایندگان

هسته مخفی کارگری باید وظایف یک اتحادیه باسندیکا مخفی در شرایط اختناق را بدون آنکه شکل سازمانی مشخصی داشته باشد، انجام دهد. عبارتی دیگر هسته مخفی کارگری، سازمان منصفی (اتحادیه) شرایط اختناق است. هسته مخفی کارگری باید رهبر واقعی حرکتها و توده‌های کارگری باشد. باید از هر امکان علنی و قانونی که در آن توده کارگران باشد، فعا لانه حضور یابد و با اتقای سیاستهای فداکاری و ضد - دموکراتیک حاکم بر آنها، توده کارگران را از زیر نفوذ عوامل رژیم و سرمایه داران بیرون کشد و اعتماد و حمایت آنها را جلب نماید. اگر هسته مخفی کارگری سنجیده عمل کند، می‌تواند به آلترونا تویو واقعی رهبری جنبش منصفی و توده ای کارگران بدل شود.

هسته مخفی کارگری بهرمانا به رهبری مخفیی مبارزات منصفی کارگران، عرصه‌های کسار منصفی دارد. هسته قبل از هر چیز لازم است برای واحد خود برنامه عمل منصفی داشته باشد. این برنامه در چارچوب سیاست کارگری سازمان تنظیم میشود. هسته باید ارزیابی و درک روشنی

از موقعیت و امکانات خود، وضعیت محافل مختلف کارگری، روانشناسی توده کارگران، سوابق و تاریخچه مبارزاتی واحد مربوطه، وضعیت مدیریت، اداره حواس، بسیج کارگری سیاه، انجمن اسلامی و نیز مبرم ترین خواستهای سوابق کارگران، و وضعیت تشکیلاتی منصفی علنی اعم از تشکلهای اصلی و جنبی، بایدار و مقطعی از قبیل شوراهای اسلامی کار، تعاونیهای مصرف، مسکن و اعتبار، کمیته ورزشی، کمیته طرح طبقه بندی، مشاور، کمیته بهره‌وری، کمیته بهداشت، نهجت سواد آموزی، شورای مادران و غیره داشته باشد. هسته باید از هر امکانی برای سازماندهی حرکت کارگران جهت پاسخگویی به این بائخواست منصفی و سیاسی استفاده کند تا بتواند بیپوندش را با توده کارگران تحکیم کرده و سیاست و برنامه عمل خود را به پیش برد.

تنها از این راه می‌توان، علیرغم اختناق پلیسی و استبداد ولایت فقیه، راه ایجاد تشکلهای توده‌ای طبقه کارگر را گشود، جنبش توده‌ای کارگری را حول مطالبات مبرم منصفی و سیاسی سازمان داد و راه تکامل این مبارزه را بیپوند با جنبش عمومی خلق، هموارتر کرد.

کنگره، شرکت آنان در روند برگزاری کنگره را حتی - الامکان تا مین نمود. حتی این امکان وجود دارد که برخی سازمانهای حزبی موفق به اعزام نماینده به کنگره به صورت منتصب نیز نگردند. در چنین صورتی نیز باید نظرات این سازمانها و اعضای حزبی به طریق منصفی در کنگره منعکس و مورد توجه قرار گیرد. تاکید بر حضور مستقیم نیروهای که مستقیماً درگیر مبارزه با رژیم حاکم هستند نیز ضروری است. نباید شرایط کارخفی مانع داشتن نیروهای شاخص این نیروها در روند تدارک و برگزاری کنگره گردد. برای این طرح مسایل مشخص طبقه کارگر و محکماتشان و عقبنیت بخشیدن به تصمیمات و مصوبات کنگره این امر اهمیت جدی دارد. عدم توجه به این عامل خطر ذهنی گرایشی را افزایش داده و می تواند حزب را دچار انحلال فکری و اخلاقی و تداوم کار آن را بسا کاستی‌های جدی مواجه نماید.

ضرورت و آید به برگزاری نخستین کنگره سازمان دروندتدوین و تصویب اسناد ما در وقت سازمان و شکل گیری ساختار حزبی در آن مطرح شد. ضرباتال ۴۰۴ حوادث متعاقب آن روند تحقیق این ایده ادجار و نقوشا سخت و با لآخره پلنوم مهر ماه ۱۳۶۵ کمیته مرکزی هیات سیاسی را موقتاً ساخت اما مکانات موجود برای برگزاری کنگره را بررسی و به پلنوم بعدی گزارش نمود. پلنوم سال ۶۵ نیز تدارک برگزاری نخستین کنگره سازمان را در دستور کارهای سیاسی قرار داد. اینک برگزاری نخستین کنگره سازمان بعنوان وظیفه ای مبرم در مقابل ما است. این کنگره با ینی اسناد در برنام ما اسناد تصویب و خط منشی سازمان در اسلای انقلاب بهمین راه مورد بررسی قرار دهد و کمیته مرکزی سازمان را برگزیند.

برنامه، بنیادی ترین سند سازمان است که در کنگره مورد بررسی و تصویب قرار خواهد گرفت. تجربه فعالیت سازمان در اسلای اخیر در عرصه مسایل سازمانی، ضرورت اصلاحات در اسناد ما در نشان داده است. این اصلاحات ضروری است در اسناد ما صورت گیرد. اسناد ما به جایگاه واقعی خود را در زندگی سازمانی ما پیدا می کند. بیشتر ما صمیم و اصول ناظر بر اسناد ما به روشی است. فعا ل در ملاحظ و تدقیق آن با تکیه بر تجارب موجود، وظیفه هر عضو سازمان است.

نقد خط منشی گذشته ما در طی سالهای ۶۱-۵۷ و جمع بندی جارب سازمان در برخورد با یکی از توده‌های ترین انقلابات قرن بیستم، هرگاه موردنی علمی انجام گیرد، برای جنبش کمونیستی ما و دیگر جنبشها در منطقه اهمیت جدی خواهد داشت. تلاشی که از مدت‌ها قبل در این جهت آغاز شده بود، منجر به تصویب اسناد در پلنوم سال ۶۵ کمیته مرکزی گردید. کنگره سازمان می بایستی این اسناد را تکمیل نموده و جارب جمع بندی شده را در تدوین برنامه و اسناد ما و دیگر اسناد سازمان بکار گیرد. با لآخره کنگره با انتخاب کمیته مرکزی اراده خود را مادیات سازمانی خواهد بخشید.

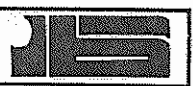
نخستین کنگره سازمان وظایف بس سنگینی بر عهده دارد. مسلماً نباید انتظار داشت این کنگره همه مسائل موجود را بیسی کم و کسب حل نماید، جنبش برخوردی ذهنی است، اما طبعاً شرکت هرچه فعا لتر است می رفق در بحثها بر غنائی از کمتری سازمان افزوده و موفقیت اولین کنگره را تضمین خواهد نمود. با ید در راه تجهیز هر چه بیشتر به دست ما رگسیسم - لنینیسم برای شناخت هر چه بیشتر و دقیق تر جامعه و تلاش کنیم تا بتوانیم هر چه آگاهانه تر در تدوین علمی و تدقیق اسناد تدارک را بشیم و این تلاش را به پشتوانه وحدت مستحکم تر نظرسری سازمانی ما بدل کنیم. حاصل این مبارزه باید تحکیم بیشتر منصفی سازمان و ارتقای سیاسی، آیدولوژیک و سازمانی آن باشد. ما وظایف سنگینی در پیش داریم و باید با تکیه بر خرد جمعی همه نیروهای سازمان تا مین اراده و احداث این وظایف را با موفقیت به انجام رسانیم.

از موقعیت و امکانات خود، وضعیت محافل مختلف کارگری، روانشناسی توده کارگران، سوابق و تاریخچه مبارزاتی واحد مربوطه، وضعیت مدیریت، اداره حواس، بسیج کارگری سیاه، انجمن اسلامی و نیز مبرم ترین خواستهای سوابق کارگران، و وضعیت تشکیلاتی منصفی علنی اعم از تشکلهای اصلی و جنبی، بایدار و مقطعی از قبیل شوراهای اسلامی کار، تعاونیهای مصرف، مسکن و اعتبار، کمیته ورزشی، کمیته طرح طبقه بندی، مشاور، کمیته بهره‌وری، کمیته بهداشت، نهجت سواد آموزی، شورای مادران و غیره داشته باشد. هسته باید از هر امکانی برای سازماندهی حرکت کارگران جهت پاسخگویی به این بائخواست منصفی و سیاسی استفاده کند تا بتواند بیپوندش را با توده کارگران تحکیم کرده و سیاست و برنامه عمل خود را به پیش برد.

تنها از این راه می‌توان، علیرغم اختناق پلیسی و استبداد ولایت فقیه، راه ایجاد تشکلهای توده‌ای طبقه کارگر را گشود، جنبش توده‌ای کارگری را حول مطالبات مبرم منصفی و سیاسی سازمان داد و راه تکامل این مبارزه را بیپوند با جنبش عمومی خلق، هموارتر کرد.

تنها از این راه می‌توان، علیرغم اختناق پلیسی و استبداد ولایت فقیه، راه ایجاد تشکلهای توده‌ای طبقه کارگر را گشود، جنبش توده‌ای کارگری را حول مطالبات مبرم منصفی و سیاسی سازمان داد و راه تکامل این مبارزه را بیپوند با جنبش عمومی خلق، هموارتر کرد.

تنها از این راه می‌توان، علیرغم اختناق پلیسی و استبداد ولایت فقیه، راه ایجاد تشکلهای توده‌ای طبقه کارگر را گشود، جنبش توده‌ای کارگری را حول مطالبات مبرم منصفی و سیاسی سازمان داد و راه تکامل این مبارزه را بیپوند با جنبش عمومی خلق، هموارتر کرد.



### یام کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به خلق شوروی بمناسبت

### هفتادمین سالگرد انقلاب اکتبر

رفقای گرامی! هفتادمین سالگرد انقلاب کبیرسویالیستی اکتبر نزدیک می‌شود. این یک جشن بزرگ خلق شوروی است. انقلاب ما، برجسته‌ترین رویداد سده بیستم است که آغاز دوران نوینی را در زندگی بشریت نوید داد. زمان، اهمیت جاودان آن را ثابت کرد.

در شورما و در احساسات ما، اکتبر، موضوع والاترین افتخار ملی مردم شوروی است. انقلاب به عروج بیسابقه آفرینندگی تاریخی توده‌ها و اوپروآمد خلق پیروزی که یوغ بهره‌کشی سرمایه داری و زمینداری را برانداخت تبدیل شد. در راه حزب بلشویک که طبقه کارگر و زحمتکشان روسیه را به عمل قهرمانانه انقلابی بسیج کرد و لادیمیرا بلشویک لنین قرار داشت. اندیشه شورویک و، سرمشق اخلاقی و شجرات فعالیت خارق العاده آن در طول قرن‌ها زنده خواهد بود.

اکتبر کبیرا مرزودر کارهای ما ادامه می‌یابد. در کشوریک نوسازی انجام می‌شود که رمانده‌ای که ما هیئت انقلابی است و هدفش اینست که پیشرفت جامعه سویالیستی را تسریع کند. مشی سیاسی حزبیهیئت مشی مصوب پلنوم آوریل کمیته مرکزی و کنگره بیست وهفتم حزب کمونیست اتحاد شورویست عنوان با زتاب اراده خلق در همین راستاست. در پلنوم کمیته مرکزی که در ماه ژانویه برگزار شد تصمیمات اصولی عظیم و مهمی اتخاذ گردید. این تصمیمات حزب و خلق را با تئوری نوسازی مجهز و آنها را برای اصلاحات زرفرتو اتخاذ ادبیرشجاعانه ای که رسالت بهره‌مند کردن سویالیسم از مدرن ترین شکل‌ها می‌باشد از اجتمای پر بردوش دارن دسیج می‌کنند. کشور ما نخستین جایی است که در آن سویالیسم در عمل تحقق یافته است. پیروزی اکتبر با بهای بیسابقه هستی اجتمای مردم را استوار کرد. در سیاست حاکمیت زحمتکشان، در اقتصاد مالکیت اجتمای بروسائل تولید، در مناسبات انسانی - روح کار جمعی و همیاری رفیقانه. در این نوسازی های انقلابی - آغاز آغاز و سرچشمه پایان ناپذیر نیروی حیاتی نظام سویالیستی نهفته است.

اکتبر کبیرا سویالیسم، میهن ما را از آن رنج و تنگدستی که هم‌اکنون نیز زندگی خلق‌های بسیاری از کشورهای جهان را مسموم می‌کند رها نمیدارد. ما دیگر بهره‌کشی انسان از انسان نیست. بیکاری نیست. بوعستم ملی نیست. فقر و بیسوادی نیست. مردم زحمتکش در شرایط نامین اجتمای و اطمینان به فردا زندگی می‌کنند. انقلاب اکتبر را بیرو انجام شد، و از اینروست که سویالیسم وجود دارد.

در روستا ختمان سویالیسم کشور ما تبدیل به یک دولت پرتوان صنعتی با ظرفیت اقتصادی و علمی - فنی نیرومند گردید. یکی از بالاترین سطح آموزش توده‌ها در مرقیاس جهان نی بدست آمد. در خانه‌های زحمتکشان به پیروزی راه یافت. خدمات پزشکی رایگان، دلسوزی درختان برای مادر و کودک، و مراکز بهداشت و درمانی جای جنگ و کوروشچروندان سالخورده، به قاعده عادی زندگی تبدیل گردیده است. هر روز هزاران خانواده و اردخانه‌های نوساز می‌شوند. در کشور ما دگرگونی های ستروکی در عرصه فرهنگ به‌پیدا شده است. سویالیسم بهمانه به نظامی که می‌تواند جایگزین انسان دوستانه‌ای در برابر زورگویی و کارهای فدا نسانی و فقر معنوی جا همه پرور و آوری شود، بهمانه به نظامی که ارزش‌های اصیل تمدن را حفظ و افزایش میدهد خود را به جهان عرضه می‌دارد و در سایه این استعداد جهت گیری، آن فرهنگی را که بر پایه تجسارت و سودجویی بنا شده است نفی می‌کند.

پیروزی انقلاب سویالیستی حقوق و آزادیهای واقعی را برای انسان زحمتکش تحکیم کرد و حاکمیت شوروی را پایه گذاشت. حاکمیتی که در دموکراتیک ترین شکل زندگی دولت برگزیده خلق است. در نظام سیاسی شوروی، پیش شرط‌های لازم برای پیشرفت دموکراسی و ابتکار خلق تسهیل بالاترین درجه وجود دارد.

این نظام، زاده اکتبر است و سویالیسم آنرا برپا کرده است. سویالیسم حل مسئله ملی را در کشور ما پایه گذاشت. در سالهای حکومت شوروی برای خلق‌ها و همکاران برادرانه آنها در عمل تحکیم گردید. اقتصاد و فرهنگ همه جمهوری‌ها اعتلایفت، خلش و واحد شوروی شکل گرفت که به دستاوردهای مشترک خود می‌بالد. اما ده است از دستاوردهای سویالیستی خویش در برابر هرگونه جنگ اندازی دفاع کند.

تکامل مناسبات ملی ما خنده‌ها بر مزنده دیگری، مسائل نوینی را مطرح می‌آورد. این مسائل موافق اصول سیاست ملی لنینی که نسبت به هر آنچه که به منافع ملی لطمه می‌زند، حساس و نسبت به هر جلوه‌ای از ناسیونالیسم و شوونیسم آشتی ناپذیر است حل شده اند و حل خواهند شد. خلق‌های اتحاد شوروی با دوستی محکم، انترناسیونالیسم سویالیستی و میهن پرستی شوروی با هم متحد شده‌اند.

این روزها اکتبر برای ما است. این راه و روش سویالیسم برای ما است. ما در زندگی می‌کنیم که زیر تانرا انقلاب ما بگونه‌ای ژرف تغییر کرده است. دیگر پیش از یک سوم بشریت زنجیر بهره‌کشی سرمایه داری را بدور انداخته است. سویالیسم وجود دارد، توسعه می‌یابد و به یک نظام جهانی استوار می‌گردد. امپراطوری‌های استعماری دیگری افت نمی‌شود و آنها دولت مستقل جوان جای آنها را گرفته است.

همه آن دشواریها و آزمونهای که در انتظار راهگشایان تاریخ است بسر ما آمده. آنها ما را از حرکت باز نداشتند. ما موختم بر آنها چیره شویم و چیره شدیم.

سختمان سویالیسم در شرایط هرج و مرج اقتصاد و ویرانی ناشی از جنگ آغاز شد. تقریباً دهه، اتحاد شوروی یکه و تنها در برابر جهل‌ان سرمایه داری ایستادگی کرد و پیوسته در معرض فشار و تانرا و امپریالیستی قرار داشت. در جنگ علیه تجاوز هیتلری، کمشوریت میلیون از پسران و دختران خود را از دست داد و از یکسوم شروتهای طبیعی‌اش محروم گردید. ناچار سال‌های سال با شدت تمام کار کردیم، با محروم کردن خود از لازم ترین چیزهای زندگی گذرانیدیم.

ما پایداری کردیم، ما ربه زانودرنیا واردند و در هم شکستند. اما چیزهای دیگری هم بود. می‌بایست بهای گزافی برای بازپس نشینی از اصول و شیوه‌های لنینی سختمان جامعه نوین، برای نقض قانونیت سویالیستی و قواعد دموکراتیک زندگی در حزب و جامعه، برای اشتباهات اراده‌گرایانه و برای جزم اندیشی در تفکر و لختی در فعالیت عملی، برداخته شود.

در پایان سالهای هفتاد و آغاز سالهای هشتاد در جامعه ما کارهای بسیاری به رویدادها شد. انباشت دشواریها، مسائل حل نشده و پدیده‌های بیگانه با سویالیسم شروع گردید. این راجزب و تمام خلق شوروی احساس کردند و از آن دچار تشویش شدند. کمیته مرکزی خواهان آن شد که با قاطعیت انقلابی، کارهای ما و سران زندگی ما بسوی وضع بهتر برگردهد. جهت گیری اتخاذ شده در پلنوم ماه آوریل راجزب و زحمتکشان بهمانه به سمت متعلق بخود پذیرفتند. نوسازی انتقال داد خود را در حزب، صداقت در سیاست، توانایی تدوین شده بیبر که برای بیرون رفتن از قاعه دشواریها است و دست زدن به تحقق بی درنگ آنها - همه اینها از پشتیبانی گسترده خلق برخوردار شد.

کنگره بیست وهفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی به شیوه لنینی درباره دورانی که از سر می‌گذرانیم اندیشید و در تصمیمات خود، سترگی اما جاه را با واقع بینی پیرامون امکانات درهم آمیخت. کنگره یک درس حقیقت شکنده را برای ارزش سیاسی و اخلاقی جاودان است. آشتی تا حدی و صداقت در ارزیابی همه آنچه‌ها می‌کند که مانع پیشروی می‌شود - این یک موفق گیری اصولی، لنینی و نشا نگر نبیروزی حزب است.

لنین در زمان خود گفت: هنگامی که در برابر ما "۱۰۰۰ مسائل عملی نوینی قرار گرفته‌اند، برای حل این مسائل نیروهای تازه‌ای بمعنی واقعی کلمه از زمین رونیده‌اند، که در آستانه دگرگونی هنوز هیچکس گمانش را هم نمی‌کرد". امروز نیز چنین است: در حزب و خلق نیروهای تازه‌ای که تا دیروز خود را نشان ندادند، در کمپروین و نوبه‌ها را انقلابی نوسازی می‌پویندند.

کشور به حرکت در آمد و نفس تازه کرد. جو اخلاقی تمیزتری در جامعه برقرار گردید. زندگی معنوی جا لب ترو مستوع تر شده است. علمیت و صداقت، انتقال و سخت گیری بهمانه بخش جدائی ناپذیر زندگی روزمره تحکیم می‌شود. استراحتی و تانکتیک نوسازی ژرف انتقال دلمی در زندگی بیگانه تحقیق می‌پذیرد. در نخستین سال بر نامه پنجاهه، اقتصاد دلمی، ارتش - نشان‌های اصلی، از مرزهای برنامه ریزی شده گذشته است.

اما نیا پذیرفته این دستاوردها شد. تنها نخستین گامها برداشته است. کار اصلی هنوز در پیش است. دموکراسی بیشتر یعنی سویالیسم بیشتر. دموکراسی سویالیستی - یعنی گسترش خودگردانی خلق در سطح و عمق و سابقه از آزاده‌ها و استعدادها، دموکراسی راستین بنا به ماهیت خود سازنده است. این دموکراسی دشمن آشتی ناپذیری مسئولیتی، عوام فریبی و خودسری است.

ما با گسترش دموکراسی، با تحکیم قانویت سویالیستی، با توسعه فعالیت شوری نمایندگان خلق، با تاندهای شغلی، با کاممول و دیگر سازمانهای اجتمای، با اعتلای شایستگی شخصیت، گسترش همه جانبه حقوق شهروندان و کلکتیوهای کار، و نیا را برای مقتدرترین نیروهای سازنده سویالیسم کار را از انسان آزاد، در کشور آزاد بازمی‌کنیم.

### رفقای گرامی!

کمیته مرکزی همه مردم شوروی را فرامی‌خواند که سران را از آگاهی و احساس مسئولیت برای سیمای آینده کشور برای سرنوشت سویالیسم با شند. آنچه پس از انقلاب اکتبر، در دهها سال سختمان سویالیستی بدست آمده تسوییرا عظمتی است. اما زمان ما ربه پیگاری نوینی فرا می‌خواند. در شرایط دگرگون شده، همانطور که در پلنوم ماه ژانویه کمیته مرکزی تاکید شد، جامعه ما را در دیگران نظریو پائینی و توانائی بالارفتن سریع از مدار چترقی، مورد آزما یی قرار می‌گیرد.

سرا سرچیان به خلق شوروی، به زادگاه اکتبر می‌نگرد: آیا ما موفق خواهیم شد، آیا با شایستگی به آنچه که سویالیسم ربه پیگاری را می‌خواند پاسخ خواهیم گفت؟ کمیته مرکزی به شرافتکاری، غرور و شغلی زحمتکشان، به میهن پرستی مردم شوروی خطاب می‌کند. با یاد دورانی کوتاه اعتلای کیفی در اقتصاد را تا من کرد و زمینه‌های مستحکم برای دورنمای آینده برپا ساختن بین وظیفه در مرکز سابقه برای پیشوازییسته از هفتادمین سال اکتبر قرار دارد.

کمیته مرکزی به خود و تجربه مردم شوروی خطاب می‌کند. نسخه‌های آماده برای همه و قاعی زندگی وجود ندارد. بگذارد نوسازی تبدیل به آزما یی شگاه آفرینندگی همه خلقی شود... اندیشه زنده و آزاد شرط حتمی تسریع است. حزب پیوسته از خلق می‌مورد. او خود جمعی را از خلق فرامی‌گیرد، سیاست خود را با تجربه خود می‌بالد. اما ده است از دستاوردهای سویالیستی خلق درگ می‌کنند به درستی بیان نماید.

کمیته مرکزی به پایجری خلق شوروی خطاب می‌کند. درهم شکستن شکل‌ها، شیوه‌ها و عادات کهنه شده به آسان میسر نمی‌شود... پایجری بردباری و سرسختی خلق شوروی نه یکبار رگبارها در ترازوی تاریخ گذاشته شده و پیروز در آمده است. حزب اطمینان دارد که اکنون نیز چنین خواهد بود.

کمیته مرکزی به احساسات میهنی مردم شوروی خطاب می‌کند... کاری را که ما آغاز کرده ایم نمی‌توان با دستهای بی‌تفاوت و قلب سرد انجام داد. تمام ماهیت کاری که آغاز کرده ایم اخلاقا یک سیکارانه نان به نرخ روز خوره‌ها تما شاگران کناره‌گرد و معرف کنندگان نئی از معنویت را مردود می‌نماید.

کمیته مرکزی به اعضای حزب کمونیست اتحاد شوروی خطاب می‌کند. رفقای کمونیست! با زندگی روزمره خود نشان دهید که مسئولیت بزرگ سیاسی را که در این دوران دگرگونی بزرگ به حزب کمونیست اتحاد شوروی، بهمانه به حزب حاکم تعلق گرفته است و مسئولیت عظیم سیاسی خود را درگ می‌کنید و بسا آن هنگام هستی بخاطر داشته باشید که خلق، متعاسب با رفتار روگردان شما نسبت به حزب داوری خواهد کرد. از شما پیش از هر چیز کار رفا کارانسته دلبری و نواوری خواسته می‌شود.

کمیته مرکزی همه مردم شوروی را فرامی‌خواند در مرقیاس کامل درک کنند که از روزانه ما و هرگام در راستای تسریع رشد و تکامل اجتمای - اقتصاد و کشور پیوسته وزن بیشتری در سیاست جهانی بدست می‌آورد. هفتاد سالگی اکتبر دروضی آغاز می‌شود که خود نسل بشردر برابر مسئله بقا قرار گرفته است. آینده جهان - جهان متفاد ما متحد و با پیوندهای متقابل - امروز تعیین می‌شود. سیاره ما می‌تواند دوبار ایدان تهدید پذیرد. هستی نجات داده شده، برای همه خلق‌ها، زندگی در شرایط امنیست استقلال و ترقی، می‌تواند دوبار ایدتا منین گردد. در اینجا همه چیز وابسته به ما.

اتحاد شوروی و سویالیسم نیست، اما آنچه وابسته به ما است انجام می‌دهیم و بنحو کامل هم انجام می‌دهیم. ما تمام اتوریته سیاسی و مجموعه نفوذ بین‌المللی کشور را معطوف مبارزه برای صلح می‌نماییم. هر قدر کارها در خانه ما بهتر پیش برود و همکاران ما

### از جهان سوسیالیسم، از احزاب برادر

### چین در حرکت است

در ۱۹ دسامبر ۱۹۷۶ هیئتی از رهبران حزب کمونیست اتریش شامل دیوکل حزب، فرانس موری ودوتن از اعضای کمیته مرکزی، هانس اشتراکوزر ریاست زهت با شسر از اقامت ده روزه در جمهوری خلق چین بازگشتند. این هیات نمایندگان بنا به دعوت کمیته مرکزی حزب کمونیست چین از یک، شانگهای و شهرهای دیگر بازدید بعمل آورده و با دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست چین هویا هووانگ مذاکره نمودند. "مدای ارگان مرکزی حزب کمونیست اتریش مصاحبه جامعی با اعضای هیات نمایندگی انجام داده است که مباحثی را از آن برادر می کنیم:

سؤال: پس از عقب‌گذاشته‌ها و رکود ناشی از "انقلاب فرهنگی" در فاصله زمانی "۱۹۶۶ تا ۱۹۷۶" هم اکنون در چین علائمی از اصلاحات به چشم می‌خورد، آیا شما مواردی از آن را می‌بینید؟

موری: در حقیقت برای ما مسجل گردیده است که در چین تغییراتی اساسی بوقوع پیوسته و همچنان ادامه دارد. اصلاحات در زمینه اقتصاد، سیاست، روند ساختن دموکراسی سوسیالیستی، گشودن دروازه‌ها بسوی خارج و تغییراتی در سیاست خارجی چین پدید آمده است. رهبران چین تاکنون می‌توانند که برخی مواقع ابتدا با یادآزمایش نمود و چنانچه در جریان عمل نشان داده شود که راه حل دیگری بعنوان راه صحیح به نظر نمی‌آید، آن نگاه باید همین مسیر را ادامه داد.

#### اصلاحات علیه انحراف فری روی افراطی

آنچنان که هم‌تایان چینی ما اظهار نموده‌اند، انقلاب فرهنگی نمایی از یک انحراف چپ روی افراطی بوده که در آن مبارزه طبقاتی بعنوان حلقه زنجیر تعیین کننده، یاد شده و ساختن اقتصاد به فراموشی سپرده شده بود. هم‌اکنون به توسعه اقتصادی توجه خاصی مبذول می‌شود. رفوم اقتصاد از سال ۱۹۷۸ آغاز شده است، آنها دریاقتند که چنانچه تفکراتشان در باره سرمایه‌داری و در زمینه مسائل اقتصادی روشن نباشد، سوسیالیسم در چین نتواند خودنمایی‌تواند به پیروزی نایل گردد.

بعنوان اولین گام در اصلاحات، رفوم در کشاورزی آغاز شده و کمونهای خلقی که در آنها ابزار تولید و همینطور کار، همگانی بودند، با شدت تمام به نقد کشیده شد. در این خصوص سیستم خودگردانی، بکار گرفته شد: زمین و ماشین آلات به مجتمع‌های اشتراکی تعلق داده و تنگ خانواده‌های روستایی زمین جهت کار و استفاده از آن در اختیار می‌نمایند. روستاییان بخشی از تولیدات را مطابق با قرارداد می‌توانستند داشته باشند، می‌توانستند به واحدهای اشتراکی دیگر بفرشند و بقیه تولیدات را به دستاورد قیمتی حدود ۴۰ درصد بالاتر، در بازار آرایه نمایند. ایستگاه‌ها ماشین آلات اشتراکی جهت چنین امری مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

#### خودگردانی و ابتکار شخصی

در جریان این اصلاحات، ابتکارات فردی و همچنین عوامل محرک، بطور حقیقی تقویت گردیده‌اند. درآمد خالص بیسک خانواده روستایی که در شانگهای آنها را ملاقات کردیم در سال ۱۹۸۶، ۴۰۰۰ یین بوده است که به آن مبلغ درآمد مردم خانواده که در بیسک کارخانه کار می‌کنند، نیز اضافه می‌شود. هم‌اکنون خانه شخصی به وفور یافت می‌شود. همینطور برای اعضای خانواده اشتراکی روستایی امکان داشتن شغل اضافی موجود است و می‌توانستند در جنب منزلشان کارگاه بافندگی داشته باشند، تولید سرانه غلات به ۴۰۰ کیلوگرم در سال رسیده است. بنا بر این چین نیز به واردات غله ندارد. قبلاچین مجبور به وارد نمودن پنبه از خارج بود. در این اواخر آنها حتی پنبه را در می‌کنند. دموال است که رفوم در صنعت نیز آغاز گردیده است.

سؤال: مطلبی که هم‌اکنون گفتید چگونه بنظر می‌آید؟

زهت باشر: این رفوم هنوز در تمام حوزه گسترش نیافته است. بسیاری از آنها هنوز در مرحله آزمایشی

و مطالعاتی می‌باشند. رفوم بویژه متکی به سیستم برنامهریزی بوده که در آن توجه به قیمت‌گذاری در رابطه مستقیم با حمایت از واحدهای تولیدی است، در مرکز توجه قرار دارد.

به ما گفته‌اند که در جریان انقلاب فرهنگی قانون قیمت‌گذاری اجناس نادیده نگاشته شده و اشتباه‌ها اقتصاد دکانی را با اقتصاد سرمایه‌داری یکسان می‌پنداشتند.

یکی از اهداف رفوم، توسعه اقتصاد دکانی است. سوسیالیستی می‌باشد. احیای ابتکارات در واحدهای تولیدی و در مشاغل آن زمره می‌باشند. قسمت اعظم واحدهای تولیدی در آن شبه نبرز با بدهیچنان در تسلط دولت قرار داشته باشند.

مورد تازه بویژه آن است که واحدهای تولیدی دیگر، برخلاف سابق باید تنها برای تولید محصول بلکه برای فروش اجناسشان نیز تلاش کنند. بنا بر این واحد تولیدی در فشار است که به تغییرات ضرور در کیفیت، در یافت تولیدی و نظایر آن خود را تطبیق دهد. زمانی که در بازار محصولی مشتری ندارد، باید یک اقدام اقتصادی موثر صورت گیرد و نوع تولید با یکی از نیازهای موجود، شعور و تنبید شود.

هم‌اکنون سهم مهارتها در پرداخت دستمزدها بیشتر شده و به همان نحو نیز کیفیت کار را ارزش تر شده است. سیستم خودگردانی معنای حقیقی تر رفوم را در بر دارد و شامل مدیریت تولید می‌شود. در گذشته مدیر واحد تولیدی تحت هدایت کمیته حزب کار می‌کرد. هم‌اکنون او تنها با مشورت با ارگان کارکنان، که شامل نماینده حزب، نماینده اتحادیه، و نماینده سازمان جوانان و همچنین نمایندگان منتخب می‌باشد، کار می‌کند. این ارگان کارمندی را کنترل می‌نماید. در مورد مسائل بزرگ برنامه‌ریزی و مقررات، با مشاورت نموده و پیشنهادی برای اجرای کار به مدیر می‌دهد. این کمیسیون ایستادگی را در اختیار دارد که در مواقعی که مدیر پیشنهادی غیرعادی می‌نماید و او را تصویب نماید.

در مجموع ابتکارات فردی و مشارکت کارکنان در تصمیم‌گیری‌ها و توجه آنها به توسعه اقتصادی واحدهای تولیدی بنظر می‌رسد که افزایش یافته باشد. تولید صنعتی در سالهای اخیر لانه در حدود ۸ درصد رشد داشته است.

#### ۴۰ میلیارد دلار در راه

سؤال: آیا خطر نفوذ وسیع تر سرمایه‌داری به چین همکاران شما و امگبری‌ها محتمل نمی‌باشد؟

زهت باشر: در جمهوری خلق چین ۱۴ منطقه است که خارجیه در آن فعالیت دارند همتای ما تاکنون نموده که شرکت، کارخانه‌های ما بصورت مشارکت می‌باشد. تنها این هدف تعقیب می‌شود که تکنولوژی و فن مدیریت اقتصاد در خارجیه، آنها را سریعتر به پیشرفت نایل آورد و پرسنل متخصص تأکیفیت بهتر، آنچنانکه بتوانند تجارت بکسب شده را توسعه انجام دهند، بوجود آورد. و امهای خارجی هم گرفته می‌شود تا کارخانه‌های تولیدی مدرن تر در چارچوب بخش دولتی احداث گردد.

برای اینکه بتوانیم از این وضعیت درک بهتری داشته باشیم، به ما موارد زیر یادآوری کردید: تولید واحدهایی که در تملک خارجی هستند فقط در صد ارزش تولیدات جمهوری خلق چین را در بر دارد. در حال حاضر صدی خارجی جمهوری خلق چین ۱۰ میلیارد دلار است یعنی برای هر نفر فقط معادل ۱۰ دلار. در مقایسه با آن ما در چین ۴۰ میلیارد دلار در سال می‌باشد. در صورتی که آنها بخواهند همکاری با خارجی را تقویت نمایند، سهم بسیار کمی از رفوم در کل ارزش تولیدی کشور فقط نیا زبسه افزایشی حدود ۲ الی ۳ درصد دارد.

سؤال: در چه موردی رفوم در محدوده سیاسی قرار می‌گیرد؟

موری: رفوم اقتصادی با یک رفوم سیاسی در پیوند است. چرا که در غیر این صورت می‌تواند به ترمز راه رفوم اقتصادی مبدل گردد. آنچنان که به ما گفته‌اند این رفوم بنا ندارد سیستم سوسیالیستی را در گروگن نماید. هم‌تایان چینی ما تاکنون نمودند که این رفوم سیاسی بویژه ۳ هدف را در پیش رو دارد:

#### به هدف رفوم سیاسی

۱- کارخلاقا بعد حزب و در میان کارکنان دولت استانیها و تالیه‌های یا بیینی صورت میگیرد. کارهای جوان که علاوه بر آگاهی سیاسی، شناسایی و بویژه را نیز دارا باشند بیدیمی آیند. سهم بویژه برای کار سیاسی - ایدئولوژیک در مورد جوانان در نظر گرفته شده است.

۲- مبارزه با بوروکراسی، ساده نمودن سازمانهای دولتی جدا سازی مدیران حزب از مدیران دولتی در این مورد مشخص شده است که باید حزب تنها بعنوان نیروی رهبری کننده این اقدام می‌باشد. ۸ حزب دموکراتیک موجود که با حزب کمونیست همکاری می‌نمایند در چنین موردی عزم مصمم دارند. بنا بر این است که راه سوسیالیستی را بدار حفظ گردد. همچنین آنها دیکتاتورهای سرمایه‌داری و نظامیان زکاتورها سوسیالیستی کسب نمایند، ولی اجازه ورود ایدئولوژی بیگانه را نمی‌دهند.

۳- پیداری بیشتر ابتکارات فردی کارکنان کشاورزان و روشنفکران با اقدامات متمرکز و دموکراتیک، همچنانکه گفته شده است حزب نیروی رهبری کننده این اقدام می‌باشد. ۸ حزب دموکراتیک موجود که با حزب کمونیست همکاری می‌نمایند در چنین موردی عزم مصمم دارند. بنا بر این است که راه سوسیالیستی را بدار حفظ گردد. همچنین آنها دیکتاتورهای سرمایه‌داری و نظامیان زکاتورها سوسیالیستی کسب نمایند، ولی اجازه ورود ایدئولوژی بیگانه را نمی‌دهند.

تغییرات در سیاست خارجی

سؤال: در مورد سیاست خارجی در صحبت‌ها پیشان با آنها چه چیزی را توانستید بدست‌یابید؟

موری: این موضوع در تبادل نظر ما فضای وسیعی را در بر گرفته بود. مهمترین تغییر مثبت در برخورد چینی‌ها را در رابطه با مساله جنگ و صلح، برداشت نموده‌ام. شما توسعه دون که جنگ اجتناب ناپذیر است، هم‌اکنون در مورد گذشته است. از نظر آنها خطر جنگ هنوز موجود است اما برای صلح جهانی می‌توان مبارزه نمود. تحقق واقعی صلح بعنوان مهمترین مساله هدف سیاست خارجی چین ترسیم می‌گردد.

سیاست چین علیه نظامی کردن فضای کیهان بوده و باطلع بین المللی در محدوده سلاحهای اتمی و سلاحهای قرار دادی موقت دارد. چینی‌ها ملاقات گسار با جف در "ریکیا ویکتر" مثبت ارزیابی کرده و معتقدند که مذاکره بهتر از مفاصله می‌باشد. سیاست خارجی در تماس با میهن پرستی و آنتر ناسیونالیسم است. بر استقلال و خودکفایی تا کید می‌شود. آنچنان که آنها می‌گویند به هیچ بلوکی تعلق ندارند. چیزی که جز "فاصله مفاصله" با آنها در صورتی و آمریکا معنای دهد. چین از اهداف اساسی جنبش عدم تعهد پشتیبانی نموده و با نیکارگونه وسایر خلقها و نیروهای که بر آزادی و استقلال خود مبارزه می‌کنند، آنها را همبستگی می‌نماید.

#### هنوز اختلاف عقیدتی وجود دارد

سؤال: خاطرنشان گردیده است که در مورد برخی از سئوالات مواضع متفاوتی هست. از جه لحاظ این مسائل مطرح است؟

اشتا پتر: موقعیتهای مواضع متفاوت بویژه در مورد سیاست بین المللی و موقعیت آن پدیدار می‌شود با بدبگویم که رفقای چینی با انتقاد از خود اظهار نموده‌اند که در سالهای انقلاب فرهنگی در جریان سیاست بستن درها به خارج، از ظهور بیشتر فتنه بویژه در کشورهای سرمایه‌داری بیشتر شده است که آنها دانسته‌اند، ولی اکنون به شناسایی بهتر این جنبه‌ها بهای بسیار می‌دهند.

در صحبت‌ها میان ما یقین یافتیم که آنها شوروی و آمریکا را به یکسان نمی‌نگرند. آنها از "هر دو پاسر قدرت" صحبت می‌نمایند. بنظر می‌رسد که هم‌تایان چینی ما کمتر به این مساله می‌نگرند که آنها یک قدرت بزرگ سوسیالیستی را برابریک قدرت بزرگ امپریالیستی می‌انگارند که نمی‌توان کاراکتر طبقه‌ای آنها را در یک سطح قرار داد. در واقع در یک طرف تلاشها و ابتکارات اتحاد شوروی برای خلق سلاح و توشن زدایی در جهان است و در طرف مقابل دولتی است که تحت نفوذ مجتمع‌های نظامی - صنعتی که برای سود بیشتر تلاش می‌کنند قرار دارد و در جهت مسابقه تسلیحاتی و نظامی کردن فضای کیهان نسی گام بر می‌دارند.

وسا رس اتحاد شوروی یک سر نوشت است. آرمانهای اکثریت ما را بنام بهروزی خلق شوروی، بنام شکوفایی زادگاه سوسیالیسم و صلح، به کار فرما می‌خوانند. خرد خویش را، راه خویش را و برزی خویش را در یک مجموعه متحد کنیم. این نیروی شکست ناپذیر را بسوی حل مسائل تازه‌ای که در برابر ما قرار گرفته است متوجه سازیم. هر آنچه را که در برنامه‌ریزی‌ها پیش‌بینی شده تحقق بخشیم، امر انقلابی اکثریت را با شایستگی دنبال کنیم.

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

کشورهای برادر سوسیالیستی زرفتر باشد، این مبارزه همانقدر فعال‌تر خواهد بود. سوسیالیسم و صلح جدا نشدنی‌اند. هر قدر سوسیالیسم نیرومندتر باشد، همانقدر صلح مستحکم‌تر است.

رفقای گرامی! در نزد ما تمام جامعه در یک سوی سنگراست. هدف حزب و خلق یکی است. منافع ریشه‌ای طبقه کارگر، دهقانان کالخورزی و روشنفکران، منافع یکسانی است. امرنسل سالخورده، بی‌بختکوتان ساختن سوسیالیستی و جاننشینان جوانان، یک امر است. سر نوشت هر ملت و ملیت، هر جمعه‌شوری و



### هزینه جنگ ستارگان

نگاهی بر مهم‌ترین خطوط برنامه جنگ‌طلبانه دولت ریگان یعنی "جنگ ستارگان" واقعاً مآل و مقصدی است که می‌توان با هزینه آن برای تأمین نیازهای مردم آمریکا انجام داد، بی‌انگیزه و بی‌هدف است. دولت ریگان است. جنگ ستارگان خطرناک‌ترین برنامه دولت ریگان علیه صلح جهانی و تمدن بشری است. این برنامه هم چنان در کاخ تون مبارزه نیروهای صلح طلب با ارتجاعی توبین جناح انحصارات حاکم بر کشور آمریکا قرار دارد. "جنگ ستارگان" اوج جدیدی در سابقه تسلیحاتی در جهان است که هزینه فوق العاده‌ای را بردوش مردم آمریکا می‌گذارد.

حد اقل هزینه "جنگ ستارگان" به ۳۰۰۰ میلیارد دلار می‌رسد، اگر دولت ریگان بر بخوابد، ست میلیاردها انسان در جهان تن دهد، اگر گداغ سفیدپوشها ده‌ها سال زنده و مبتکرانه اتحاد شوروی را ببیند، هزینه سرسام آور جنگ ستارگان "نی توانده رخ دست بر نامه های اجتماعی گسترده‌ای قرار گیرد. طی یک برنامه ده ساله، با هزینه برنام "جنگ ستارگان" میتوان اقدامات رفاهی ویرانه‌های اجتماعی زیر انجام داد:

- ۱ - احداث مسکن جدید برای ده میلیون خانواده با صرف این پول میتوان سالیانه یک میلیون مسکن با کیفیت عالی ساخت، طبق برآوردهای دولت آمریکا، بودجه کارخانه تولید فولاد آمریکا ۷/۵ میلیون خانگیه مخروبه وجود دارد، اگر هزینه هرواحد مسکونی را ۸۰ هزار دلار در نظر بگیریم، هزینه یک میلیون مسکن ۸۰ میلیارد دلار میشود، چنین برنامه‌ای حدود ۲/۵ میلیون شغل جدید بوجود می‌آورد.
- ۲ - سالم سازی محیط آلوده تمیز نگه داشتن و حفظ محیط زیست نیازمند صرف مخارج هنگفتی است، یک طرح ۷۰ میلیارد دلاری میتواند به این نیاز زندگی پاسخ گوید و ۲/۱ میلیون شغل جدید نیز بوجود آورد.
- ۳ - سیستم حفظ بهداشت ملی معالجه سینه سرسبز و عالی برای خانواده‌های با درآمد کم ترا از ۵۰ هزار دلار و معالجه رایگان برای خانواده‌های با درآمد کم ترا از ۲۵ هزار دلار میتواند شدت می‌شود. این امر نیازمند کارکنان و تسهیلات جدیدی است. با هزینه ۶۰ میلیارد دلار میتوان سیستم بهداشت ملی را برای برزی کرد که هزینه‌های بهداشتی همه آمریکا کفایت را تا مین کرده ۲/۴ میلیون شغل جدید نیز بوجود آورد.
- ۴ - گسترش آموزش و پرورش تا ۴۰ درصد با بودجه ۴۰ میلیارد دلار میتوان به میلیونها کارگر تخصصی‌های لازم برای آموزش داد و بیشتر از یک میلیون شغل جدید نیز بوجود آورد.
- ۵ - کاهش فشار فقر

با صرف بودجه ۵۰ میلیارد دلار میتوان برای ۳۴ میلیون نفر که زیر فقر قرار دارند و زندگی‌های ضروری اختصاصی داد و سطح زندگی آنها را ارتقا بخشید.

۶ - پژوهش‌های علمی برای رفع نیازهای مردم یک برنامه عمومی پژوهش‌های علمی میتواند بهترین مقیاس ایجاد شود و نوسازی و گسترش سطح آمیزتجسس فضائی در همکاری با اتحاد شوروی و دیگر کشورها

### استمداد مجاهد

مما حبه مطبوعا ترفسنجانی در روز اول اردیبهشت نشانه دیگری است از تلاش رژیم در جهت پیش برد همین سیاست. در این مصاحبه رفسنجانی یکبار دیگر خواست رژیم را مبنی بر ضرورت تند و موگسترش زد و بند و معالجه با آمریکا اعلام می‌کند.

رفسنجانی در پاسخ به سؤال خبرنگار پروژنا مه آمریکا می‌آید و می‌گوید: "ما در این کشور با مشکلات بسیار زیادی مواجهیم، فکر نمی‌کنم روابط با آمریکا تا قیامت با بدقت باشد. وی سپس به آمریکا می‌آید و می‌گوید: "قطع روابط از خود آمریکا می‌شروع شد. " او تاکید کرد "اگر مطمئن شویم که آمریکا قصد شیطنت با ما را ندارد و این ثابت شود، ما حاضریم روابط داشته باشیم. اما شرط رژیم برای اثبات اینکه آمریکا قصد شیطنت ندارد چیست؟ رفسنجانی می‌گوید: "من این را مگر نگفته‌ام، ما یک علامت گذاشته ایم که آمریکا می‌تواند دستور نیت خود را ثابت کند و آن آزاد کردن اموال ما است که غیرقانونی در آمریکا توقیف شده است."

چنین است "شرطی" که رژیم برای اثبات "دوستی" و "حسن نیت" درنده‌خوترین و جناحیت - کارترین امپریالیست‌های جهان با مردم ایران پیش کشیده شده است. امپریالیست آمریکا که از درماتندگی رژیم آخوندی و دنیا زندی‌شان به‌حماست هیات خاک‌ها آمریکا مطمئن است و خود نیز به اهمیت با زکشت کامل ایران بدان من غرب امپریالیستی آگاه است، حسن نیت خود را نشان می‌دهد. آمریکا بدنبال ارسال نیت‌های اسلحه برای رژیم اسلامی و دادن برخی اطلاعات نظامی جعلی به عراق، رای اخیراً دگا هلاعه مبنی بر بازگشت ۴۵۱ میلیون دلار پول بلوکه شده ایران را پذیرفته است. آخوندی‌ها یا حاکم بر ایران، با بی‌مبیری و شتاب می‌کوشند

### جشن اول ماه مه در جهان

اول ماه مه، روز همبستگی جبهه کار علیه جبهه سرمایه و ارتجاع، با مارش‌های گوناگون در سراسر جهان برگزار گردید. عظمت عالمگیر این جشن، یکبار دیگر نشان داد که اول ماه مه، یک جشن ساده و یک سنت عادی نیست، بلکه جولانگه‌ای است گسترده در برابر کارگران و زحمتکشان جهان برای تنگ کردن عرصه بر ارتجاع و سرمایه‌داری جهانی و برای تعمیق و تحکیم دستاوردهای اردوی کار.

مدویکمین سالگرد اول ماه مه در کشورها ی مختلف جهان با نظمیهای مختلف اجتماعی، با ویژگیهای خاص هر نظام، اما همه جا با سرود وحدت بخش آنترا سونال برگزار گردید. در زیر گزارش کوتاهی از نحوه برگزاری آنرا در چند کشور سوسیالیستی و سرمایه داری، بنسبتوان نمونه می آوریم:

در مسکو (اتحاد شوروی): جشن اول ماه مه، بمناسبت یک عید عمیقاً توده‌ای با رژه یکبارچه تمامی خلق با درفش ملج و سوسیالیسم برگزار گردید. در مراسم جشن، در میدان سرخ مسکو، رفیق گارباچف، دیگر رهبران شوروی و مهمانان خارجی از ۱۲۰ کشور جهان شرکت داشتند. شعارهای اول ماه مه با اسامی حاکمی از پشتبانی قاطعانه مردم شوروی از منی حزب کمونیست اتحاد شوروی مبنی بر تسریع روند پیشرفت و نوسازی تمام عرصه‌های زندگی جامعه شوروی و دموکراتیزه کردن سوسیالیستی پیش از پیش آن بود.

در بوداپست (مجارستان): دریا پیختست مجارستان سوسیالیستی، تظاهرات باشکوه مردم با شعارهای: زنده باد آنترا سونالیسم - پرولتری، هرچه مستحکم تر باد اتحاد خلق‌های سازنده سوسیالیسم، زنده باد اتحاد شوروی تکیه گاه صلح و پیشرفت، فرخنده باد ۷۰ سالگی انقلاب سوسیالیستی کبیر اکثریت و جهان عاری از سلاح اتمی برگزار گردید.

در چین (چین): در شهرهای چین از جمله در یکن، بنسبیت اول ماه مه، روز همبستگی

پیش برود، تمام هزینه‌های تحقیقات نظامی که اکنون بیشتر از چهل میلیارد دلار است، میتواند در خدمت برنامه پژوهش‌های علمی قرار گیرد و همه متخصصین علمی و فنی که زندگیشان در راه اجرای جنگ ستارگان تلف می‌شود در برنامه من بورجذب کرد، مجتمع‌های نظامی - صنعتی تصداتند که هزینه ۵۰۰۰ میلیارد دلار جنگ ستارگان را از طریق گرفتن مالیات از مردم و کاهش بودجه رفاه و تامین اجتماعی تا مین کنند.

برنامه رفاه اجتماعی طراحی شده بجای برنامه "جنگ ستارگان" میتواند ۱۴ میلیون شغل اضافه بوجود آورد و به فعالیت تولیدی رونق بخشد و صنعت آمریکا را احیا کند. علاوه بر این طرح میزان هزینه‌های موقوفه‌ای آنرا ۵۰۰ میلیارد دلار افزایش داد و بیشتر از ۲۰ درصد سطح زندگی اکثریت طبقه کارگر را بالا برد.

که هر چه زودتر این معامله ننگین و خیانت کارانه سر بکشد، رفسنجانی از کندی آهنگ پیشرفت مناسب است. این را زبانی می‌کند و می‌گوید: "این تعداد دبر خوردی که با آمریکا می‌باشد، چیزی بدست نیا مد که خوخال بشویم، بلکه این فقط یک آزمایش و تجربه بود."

دیگر بر کسی پوشیده نیست که سران رژیم برای جلب نظر و حمایت امپریالیست‌های آمریکا بسی، چگونه با یک دیگرمسابقه گذارده‌اند. در این مسابقه شمی رفسنجانی، دست آموزش دیده، گوی سبقت را از همه هم‌قطارانیش ربوده و با وقاحت و زبونتی ویژه‌ای به جلج نظروحمات آمریکا می‌شغول است. روزنامه‌های غرب اخیراً اطلاع داده‌اند که در جریان زدوبندیهای خیمینی، ریگان در جریان اقتضای کار این رفسنجانی مذاکرات او با نمایندگان رژیم را از نزدیک نظر داده‌اند، در این مذاکرات نمایندگان رژیم از نماینده ریگان خواهان تحویل سلاح و اطلاعات نظامی در باره عراق شده و در عوض قبول داده‌اند که اطلاعات مورد نیاز و علاقه آمریکا را در اختیار آن کشور بگذارد. برابراطلاعاتی که مطبوعات آمریکا انتشار داده‌اند، پس از جریان مک‌فارلین، در شهر پیور گذشته نیز نمایندگان رژیم دولت آمریکا با ردیگور و اشنگتن به مذاکره نشسته‌اند. در جریان این زدوبندی‌های پنهانی، میلیونها دلار نیز به جیب کارگزاران کن‌ها و افراد دست‌اندا رسرا بر می‌شود. در ۲۸ اسفند ۶۵ روزنامه "اشرنشل هرالد تریبون" نوشت که مبلغ ۶ میلیون دلار از محل فروش سلاح‌های آمریکا به ایران به‌ها شمی رفسنجانی و خانواده او داده شده است.

اما صرف نظرا تلاش‌های آخوندی‌ها برای بدست آوردن نفقه‌های چوب‌تره‌ها از این خیانت‌های بزرگی که انجام می‌دهند، رژیم جمهوری اسلامی در کلیت خویش به ترمیم و گسترش مناسبتش با آمریکا

بین المللی کارگران و زحمتکشان، تظاهرات عظیم توده‌ای برگزار شد. روزنامه ارگان حزب کمونیست چین در سرمقاله اش بمناسبت اول ماه مه تاکید کرد که: "اکنون جمعیت میلیاردری کشور باید نیروهای خود را برای تقویت و گسترش جنبش افزایش تولید و... متمرکز سازد و در عرصه سیاسی باید کار ترویجی و آموزشی روی زحمتکشان بویژه روی نسل جوان برای مبارزه قاطع علیه لیبرالیسم بورژوازی و تکیه مصلی بخشیدن به فرهنگ سوسیالیستی را گسترش داد. در نیویورک (آمریکا): کارگران و زحمتکشان آمریکا، اول ماه مه را بعنوان روز مبارزه، روز اعتراض به سیاست‌های فمیلی و فمردمی حاکم روز همبستگی با نیروهای پیشرو جهان و همه زندگان راه صلح، دموکراسی، ترقی‌جویی اجتماعی و سوسیالیسم برگزار کردند. سازمان‌های این مراسم، حزب کمونیست آمریکا، اتحادیه‌های کارگری، مجمع دموکراتیک سازمانها ملی ترفیخواه زنان و جوانان بودند.

درین (آلمان غربی): درین پایتخت جمهوری فدرال آلمان، میتینگ اول ماه مه با شعار مبارزه برای صلح و صلح سلاح، مقابله با یکاری توده‌ای، مقابله با تعرض سرمایه‌داران علیه حقوق کارگران و اتحادیه‌های کارگری برگزار شد.

در رم (ایتالیا): ۲۲ شهر ایتالیا از جمله دریا پیخت آن، تظاهرات و میتینگ اول ماه مه با شعارهای صلح، تا مین شغل، عدالت اجتماعی، مبارزه علیه مافیای جنایتکاران سازمانها، مبارزه با یکاری توده‌ای، اتحادیه‌های کارگری ایتالیا ابتکار سازمانگری مراسم اول ماه مه را بدست داشتند.

در توکیو (ژاپن): در با بی از اناسا بنا با برچ‌های سرخ، همچون آتش‌های فروزان از تمام نقاط شهر به میدان‌ها و خیابانهای مسیبر راهیبایی، سرازیر شده بودند، بزرگترین اتحادیه‌های کارگری کشور و حزب اپوزیسیون پارلمانی در تظاهرات و میتینگ اول ماه مه شرکت داشتند. در قطبنا به شرکت کنندگان میتینگ، قاطعیت در گسترش مبارزه برای مقابله با افزایش بودجه نظامی و صلح عمومی مورد تاکید قرار گرفته است.

اگر پول موزبورجای جنگ ستارگان در طرح ارائه شده بکار گرفته شود این شغل‌ها در رشته‌های زیر بوجود خواهد آمد: ۳ میلیون در ساختمان، ۳۰ میلیون در صنایع با بهای فولاد و ماشین‌سازی و غیره که از بحران ساختاری صدمه دیده است، ۳۰ میلیون در کالاهای مصرفی با دوام و کم‌موم، ۳۰ میلیون در حمل و نقل، و تجارت و خدمات، ۳۰ میلیون در مشاغل حرفه‌ای و نیمه حرفه‌ای.

پایان دادن به جنگ ستارگان و صرف هزینه آن برای مردم برنامه بدست از زمیندکه مردم آمریکا در راه تحقق این مبارزه می‌کنند. این امرم به نجات آمریکا و جهان از یک نابودی ناشی از جنگ هسته‌ای منجر میگردد و هم برای ۲۴۰ میلیون نفر مردم آمریکا یک زندگی امن و بهتری را فراهم می‌سازد.

سخت نیا زمندا است. جنگ ارتجاعی نیا رژیم خصمی به با زسازی مناسبات با امپریالیست‌ها بویژه آمریکا را تشدید کرده و با مبنی در شتاب رژیم برای نزدیکی با آمریکا می‌باشد. برای رژیم‌های ارتجاعی حساب و کتاب‌های پشت پرده همواره با آنچه که تبلیغ می‌کنند متفاوست. رژیم در طول ۷ سال جنگ خصمیت است که ملامت را نمی‌توان با "اهداهای غیبی" دستورات خصمی را بر این پایه "مدام باید برود" سرنگون کرد. از این رو، آخوندی‌ها حاکم ایران برای ادامه جنسک و پیشبرد سیاست جنایتکارانه خود هر روز بیش از پیش به سلاح آمریکایی و جلب نظر امپریالیست‌ها روی می‌آوردند.

اما اگر رژیم خصمی حاضر می‌شود به چنین خیانت‌های بزرگی تن بدهد و در قبضه چند میلیون دلار چشم بر همه جناحیات آمریکا به بندد و دست در دست آن بگذارد، مردم ایران یک لحظه نیز جناحیت‌ها و وحشیگری‌های امپریالیسم آمریکا را فراموش نخواهند کرد. برای زحمتکشان ایران امپریالیسم آمریکا تا ابده دشمن شماره یک آن‌ها باقی خواهد ماند و مبارزه‌ها متحوکامل آن‌ها به خواهد یافت. توبه رژیم در برابر امپریالیسم آمریکا تنها به چشم مردم ایران انداخته و عزم‌ها را برای سرنگونی رژیم جنایتکار خصمی استوارتر می‌سازد.

**با جمع آوری کمک‌های مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید.**



\*\*\*\*\*  
هنر و ادبیات مردمی  
\*\*\*\*\*

## در ستایش دیالکتیک

بسیادگری، این زمان باگامی مطمئن به پیش میروند  
شمگران، خود را برای قرن ها فرما نروایی، تجهیز میکنند.  
زور، جارمی زند؛ چنین که هست، می ماند.  
جز عریده فرما نروا یا ن غارتگر، صدایی طنین افکن نیست.  
دربا زارها، استشار بانگ می زند: "اینک تازه من، آغا زکرده ام".  
از استشار شدگان، اکنون بسیاری می گویند:

"آنچه ما میخواهیم، هیچگاه  
شدنی نیست".

اگر زنده ای، هرگز مگو "هرگز".  
هیچ یقینی را یقین نینداز، آنچه هست، نمی ماند.  
پس از شمرگران، ستمدیدگان سخن خواهند گفت  
چه کسی را برای آنست که بگوید "هرگز"؟  
از کیست که ستم دوام می یابد؟ از ما.  
از کیست که ستم نابود می شود؟ باز هم از ما.  
اگر از پای افتاده ای، برخیز  
اگر شکست خورده ای، باز بجنگ.  
آنکس که جایگاهش را شناخت، چگونه میتوان بازش داشت؟  
چرا که شکست خوردگان امروز، فاتحان فردایند  
و "هرگز" به "همین امروز" بدل میشود.

## در ستایش امری خفتن

بیا موز، ساده ترین چیزها را

برای آنان که بخوانند بیاموزند، هرگز دیر نیست  
الفبا را یاد بگیر، کافی نیست، اما بیا موز، مگذار دلسردت کنند.  
دست بکار شو، توباید همه چیز را بدانی، توباید رهبری را در دست گیری.  
ای آنکه در تبعیدی یاد بگیر، ای آنکه در زندانی، یاد بگیر  
ای زنی که در خانه نشسته ای یاد بگیر  
ای پیر شصت ساله یاد بگیر  
توباید رهبری را بدست گیری.  
ای آنکه بی خانمانی، در پی درس و مدرسه باش  
ای آنکه از سرما میلرزی، چیزی بیا موز  
ای آنکه گرسنگی می کشی، کتایبی بدست گیر، این خود سلاحی است.  
توباید رهبری را بدست گیری.  
ای دوست، از پرسیدن شرم مکن، مگذار به زور پذیرنده کنند،  
خود به دنبالش بگرد، آنچه را که نیا موخته ای  
صورت حساب را خودت جمع بزن، تویی که آنرا می بردازی.  
روی هر رقمی انگشت بگذار، و بپرس: این از کجا آمده است.  
تو باید رهبری را بدست گیری.

## تغییر روش کار

برتولت برشت، نویسنده و شاعر بزرگ آلمانی، بدون تردید بزرگترین درام نویس قرن حاضر است. برشت قطع نظر از تجربه دستی و توانایی عجایب انگیزش در درام نویسی و شعربه فلسفه علمی و دیا لکتیک ماتریالیستی نیز، حاطه داشت، آنچنانکه بسبب سبب از ما حینظرا ن او را استاد دیا لکتیک نیز نامیده اند. در اینجا ترجمه دو شعر و دو قطعه فلسفی از برشت را نقل می کنیم:

متنی حکایت می کرد: سه مرد از سرزمین "سو" با سه تن از کشور "گا" می جنگیدند. پس از نبرد پیروان، دو تن از مردان "سو" کشته شدند. از جنگجویان کشور "گا" یکی به سختی و دیگری کمی زخمی شده بود.  
در چنین وضعی، تنها مرد زنده "سو" با سه فرزندش، شکست "سو" قطعی بنظر می رسید. اما فرار مرد "سو" ناگهان همه چیز را عوض کرد. حریف او از کشور "گا" به تعقیبش شتافت ولی تنها، چون با رانش زخمی بودند. در این حال جنگجوی "سو" یک نفر را که تنها بود در برابر خود داشت، او را از پای آورد و بیدار کرد. حریف زخمی رفت و بدون زحمت زیاد آنها را هم زبنا در آورد. این رزمنده، درگ کرده بود که فرار، همیشه نشانه شکست نیست بلکه ممکنست وسیله پیروزی هم باشد. متنی افزود که: روش جنگجوی سرزمین "سو" را باید دیا لکتیکی نامید زیرا او درک کرده که دشمن از جنبه خاصی نا هما هنگ است. هر سه آنها البته هنوز می توانستند بجنگند، اما تنها یکی از آنها می توانست بدون شتاب، بهتر بشود گفت که نیروی جنگنده دشمن کاملاً بود ولی نیروی دونه آن ثلث می شد. درک این نکته، تجزیه نیروی دشمن و غلبه بر مجموعه آنها ممکن می کرد.

## شکستن سنت

ریا فیدانی بنام "تا" برای شاگردانش شکل بسیار نامنتظمی ترسیم کرد: زانها خواست که مساحت آنرا حساب کنند. شاگردان، شکل را به مثلث ها، مربع ها، راست گوشه ها و دایره برآشگالی که سطحی قابل محاسبه دارند تقسیم کردند، ولی هیچیک از آنها نتوانست مساحت دقیق شکل مذکور را تعیین کند. آنگاه استاد یک قیچی بدست گرفت و شکل نامنتظم را برید و از بیرون آورد و در کفه ترازویی گذاشت و وزن کرد. در کفه دیگر ترازو، مسطیلی گذاشت که قابل محاسبه بود و از آن قطعه قطعه برید تا ترازو به تعادل درآمد.  
متنی گفت: استاد، بیرونی لکتیک بوده است چون که برخلاف شاگردانش که شکل را با شکل می سنجیدند، شکل مورد محاسبه را به مثابه کغذی دارای وزن، بکار گرفت و با این ترتیب مسا له را چون مسا له ای واقعی حل کرد، بدون آنکه خود را گرفتار قواعد معمول و کلیشهای کند.

## چشم انداز نوید بخش ... بقیه از صفحه ۱۱

فلسطین قطعنا به شماره ۲۴۴ سازمان ملل متحد را تقویا ردمی کند و آنرا برای حل مساله فلسطین بی فایده اعلام می نماید. همچنین قطعنا به توسل به راه حلهای جداگانه و انفرادی بر اساس طرح کمپ دیوید و طرح ریگان مبنی بر تقسیم وظایف را مردود شمرد و توسل به قرارهای سیاسی سران کشورهای عرب در اجلاس سال ۱۹۸۲ آنها در قبال اجلاس فوق العاده سران در سال ۱۹۸۵ را مردود تا کیست قرارداد.

در این قطعنا آمده است که: شورای ملی فلسطین تشکیل اجلاس بین المللی برای حل مساله فلسطین زیر نظر سازمان ملل متحد و با شرکت ۵ عضو دائمی شورای امنیت، با حضور سازمان آزادیبخش فلسطین به مثابه نماینده قانونی خلق فلسطین و متساوی الحاق با سایر طرفهای درگیر را مردود تا کیست

قبل بخصوصی قرارهای اجلاس شانزدهم شورای ملی فلسطین تنظیم نماید.

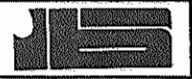
قطعنا به مورد بحث خواهان قطع فوری جنگ ایران عراق، جلوگیری از خونریزی و کشتار مردم دو کشور و پذیرش مذاکره برای حل اختلافات و دستا بی به صلح گردید.

هیجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین در قطعنا به با بانی خویش همبستگی رزمجویانه خود را با بلوک سوسیالیسم و در اس آن اتحاد شوروی، جنبش های رهایی بخش ملی در سراسر جهان و مبارزه همه خلقها علیه نژادپرستی و امپریالیسم اعلام نموده و تا کید کرد که خلق فلسطین همراه با همه خلقهای جهان در راه خلع هسته ای، در راه صلح جهانی و جلوگیری از تسلیم هسته ای اسرائیل که خطر آن صلح در منطقه و جهان را تهدید می کند، مبارزه می نماید.

قارمی دهد و در راه تشکیل آن می کوشد.

قطعنا به مورد بحث، بر یکبار چگی و وحدت همه نیروها و سازمانهای فلسطینی، در سرزمینهای اشغالی تحت رهبری ساف و سازماندهی اردوگاههای فلسطینی در لبنان برای دفاع از خود، پایبندی به حق خلق فلسطین در حضور آزادانه سیاسی و نظامی در لبنان و در هرگونه طرح مربوط به خلع سلاح فلسطینیان در این کشور، تا کید نموده با مبارزات مردم و نیروهای ملی و مترقی لبنان علیه دسائس صهیونیستها در جنوب لبنان را از همبستگی کرد.

شورای ملی فلسطین در قطعنا به خود بر کوشش جهت دستیابی به روابطی محترمانه و متقابل و همکار ریهای مبارزاتی با سوریه تاکید کرد. در این قطعنا به روابط برادرانه بین خلقهای فلسطین و اردن مورد تاکید قرار گرفت و کمیته اجرا به ساف موظف شد تا روابط بین سازمان آزادیبخش فلسطین و حکومت مصر را بر اساس قرارهای مصوبه در دوره های



### چشم انداز نوید بخش در جنبش فلسطین

برگزاری هیجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین با شرکت سازمانهای اصلی عضو "ف" در شرایط حساس کنونی، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این اجلاس تاریخی هم ز نظر اوج وحدت بین سازمانهای فلسطینی و سازمان آزادیبخش فلسطین، هم از جهت دستیابی به نتایج بارز و ایدئال و اتخاذ تصمیمی وحدت طلبانه و ضد امپریالیستی، ضد صهیونیستی و ملی در مقابله با دشمنان خلق فلسطین، و طرحها و توطئه های دشمنانه امپریالیسم آمریکا، صهیونیستها و ارتجاع منطقه علیه خلق فلسطین، دارای اهمیت جدی است. توطئه های امپریالیسم آمریکا و یورش جنایتکارانه صهیونیستها به لبنان، در سال ۱۹۸۲، که با هدف ضربه به جنبش مقاومت فلسطین، تلاش "س" و تجربه لبنان صورت گرفت. فصل جدیدی را در مبارزه فلسطینیان علیه امپریالیسم آمریکا و صهیونیستها گشود. خلق فلسطین، در زمانه رزمندگان فلسطینی به همراه نیروهای ملی و مترقی لبنان، ارتش صهیونیستها را از دستیابی به همه اهداف خود باز داشت. تجاوز اسرائیل به لبنان و جناحهای صهیونیستها در اردوگاههای فلسطینی، و اشغال بیروت، سرانجام نیروهای جنبش مقاومت فلسطین را مجبور به ترک لبنان و از دست دادن یکی از عمده ترین پایگاههای مبارزه آنها علیه صهیونیستها نمود.

خروج رزمندگان فلسطینی از لبنان، استقرار رهبران سازمانهای مختلف فلسطینی در کشورها و نقاط گوناگون و ارزیابی های متفاوت آنها از تحولات اوضاع منطقه، زمینه ساز بروز اختلاف در میان آنها شد. وحدت و یکپارچگی مفوسف را خدشه دار کرد.

مانورهای مکارانه و طرحهای تفرقه افکنانه امپریالیسم آمریکا و صهیونیستها در منطقه که با همکاری و دستگیری رژیمهای ارتجاعی، یکی پس از دیگری طراحی و اجرا گردید، شکاف در میانشان سازمانهای فلسطین را افزایش داد و به اختلافات دامن زد.

از همان آغاز کوششهای بسیار در جهت تامین وحدت در ساف، بر مبنای ملی ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی و ملی، از جناحی سازمانهای فلسطین و متفوق فلسطین و یک اتحاد شوروی و کشورهای مترقی عربی سازمان یافت. این تلاشها سرانجام به مذاکره مستقیم نمایندگان حزب کمونیست فلسطین، جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین، جبهه خلق برای آزادی فلسطین و جنبش آزادیبخش ملی فلسطین (الفتح) در عدن و الجزایر منتهی شد. این تلاشها با دیدارهای دیگر در مسکو، پراگ، برلین و تونس در سال ۱۹۸۶ و اوایل سال ۸۷ پیگیری شد. تبادل نظر طرفین در این جلسات، منجر به دستیابی آنها به توافق هایی گردید که زمینه مناسب برای برپایی اجلاس هیجدهم شورای ملی فلسطین را فراهم نمود.

اساس اختلاف نظرها زمانهای فلسطینی فلسطی سالهای ۸۵ و ۸۶ را موافقتنامه "امان"، رابطه ساف با رژیم صربیه راهی مسایل تشکیلاتی درونی تشکیل می داد.

موافقتنامه "امان" که در پی هفدهمین اجلاس ناموفق شورای ملی فلسطین در سال ۱۹۸۵، بین ساف و هسین به امضاء رسید طرح تشکیل گفتارسیون اردنی - فلسطینی در سرزمینهای اشغالی را مورد تأیید قرار داد و بدین ترتیب حق ملت فلسطین مبنی بر داشتن سرزمین و دولت مستقل خویش، مورد تردید قرار گرفت. همچنین این موافقتنامه تلویحاً قطعیاً تا ۲۲ سال زمان ملل را که تا آن زمان توسط هیچیک از سازمانهای فلسطینی پذیرفته نشده بود، بعنوان یکی از مبنای حل و فصل مسئله فلسطین پذیرفت.

همه کوششهای سازمانهای اصلی عضو "ساف" در پیرویه تدارک هیجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین، دستبایی به توافق برای لغو موافقتنامه "امان" بود. سرانجام سازمانهای اصلی عضو فدراسیون به توافق رسیدند، و اجلاس هیجدهم شورای ملی فلسطین با اعلام لغو موافقتنامه "امان" کار خود را آغاز کرد.

هیجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین طی جلسات خود موفق شد برنامهای سیاسی سازمان آزادیبخش فلسطین را برای مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم دستبایی به حقوق ملت فلسطین تدوین و تصویب نماید، سیاست و مشی ساف را برای شرکت در کنفرانس بین المللی صلح با رومیان به طرح و تصویب کند. محتوای رابطه ساف با رژیمهای صربیه و صربها مبنای مصوبات سازمانهای فلسطینی است. فلسطین مشخصاً ساف، و همه گروههای فلسطینی را به وحدت و یکپارچگی در سازمان آزادیبخش فلسطین فراخواند. بعلاوه هیجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین در عرصه مسایل تشکیلاتی رهبری ساف را

جمعی و دمکراتیکه کرد و در جهت تامین رهبری جمعی در این سازمان تلاش جدی نمود. نمایندگان همه سازمانهای فلسطینی شرکت کننده در اجلاس هیجدهم به هیات اجراییه با تیزه نفره سازمان آزادیبخش فلسطین راه یافتند و شصت و هفت نفره و ملی بیشتری را به عضویت هیات اجرایی درآوردند. اعضای شورای ملی فلسطین برای قاطع خود، حزب کمونیست فلسطین که یکی از پرنفوذترین سازمانهای فلسطین در منطقه است را به عضویت "ساف" پذیرفتند. آنها بدین ترتیب گامی ارزشمند در گسترش پایه اجتماعی این سازمان برداشتند و وزن و ثقل نیروهای انقلابی و ترقیخواه در ساف را به هم بیشتر کردند. اتحاد دوگانگی فلسطینیان و مصوبات را دیدگاه آنها، خط بطلان بر طرحها و نقشه های آمریکا بود. منطقه کشیده و یکپارچه طرح آمریکا یکمید بودید و طرحها و توطئه های مکرر آن مبنی بر حل جداگانه مساله فلسطین را مردود شناخت.

شورا در عرصه مسایل جهانی و منطقه ای نیز مصوبات مهمی داشت. شورا از نقش اتحاد جماهیر شوروی بعنوان دوست بزرگ خلق فلسطین، مبتکر و طراح برپایی کنفرانس بین المللی صلح با رومیان برای حل و فصل صلح آمیز و عادلانه مساله فلسطین سپاسگزار می نمود. بعلاوه کمک ها و همکاریهای بی دریغ اتحاد جماهیر شوروی و دولتهای مترقی دیگر بخصوص دولت الجزایر را در اوج وحدت در سازمان آزادیبخش فلسطین و تشکیل هیجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین، ستودمورد تقدیراتی قرار داد.

شورای ملی فلسطین نقش صلح خواهانه و بشر دوستانه اتحاد شوروی در تلاش بخاطر تامین حفظ صلح جهانی ارایه پیشنهادات مسئولانه توسط این کشور، جهت جمع آوری سلاحهای هسته ای و جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی در قاره آمریکا را مورد تمجید قرار داد. شورا رژیم ایران را به خاطر اقداماتش در جهت جنگ ایران و عراق مورد انتقاد قرار داد. جنگ افروزی و ماجراجویی آنرا تفتیح نمود، و خواهان قطع بلادرنگ حمل و نقل اختلافات طرفین از طریق مذاکره گردید. بعلاوه شورا نسبت به خطرات ادامه جنگ ایران و عراق برای صلح در منطقه و درجهان هشدار داد و ادامه جنگ را خواست امپریالیسم آمریکا و صهیونیستها و به زیان خلقهای عرب و جنبش فلسطین ارزیابی نمود.

برگزاری هیجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین موفقیت بزرگی برای خلق فلسطین و سازمان آزادیبخش فلسطین محسوب می شود. مصوبات مهم و ایدئال شورای ملی فلسطین، که باید راهنمای هیات اجرایی ساف در مبارزه آینده باشد، این سازمان را در مبارزه علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع قدرتمندتر خواهد کرد. باینندی همه سازمانهای شرکت کننده در اجلاس هیجدهم شورای ملی فلسطین به مصوبات و قراردادهای آن، و تلاش مشترک آنها برای جذب هر چه بیشتر سازمانهای فلسطینی به این اتحاد، باعث موفقیت برای سازمان بیشتر "ساف" و خلق فلسطین در مبارزه دشوار آنها خواهد بود.

موفقیت شورای ملی فلسطین در پیرویه با پیادهای وحدت صفوف جنبش فلسطین بلافاصله باعث واکنش خصمانه رژیمهای ارتجاعی منطقه نظیر صربیه و جمهوری اسلامی و غیره قرار گرفت. رژیم صربیه بلافاصله تلاش را در مصر تعطیل کرد. رژیم صهیونیستی تبلیغات دشمنانه علیه اجلاس و مصوبات آنرا تشدید نمود.

رژیم صهیونیستی که در پیرویه تدارک هیجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین، از شرکت خود در این اجلاس ناامید شده بود، از همان ابتدا گوسه های خصمانه با وحدت فلسطینیان را به مقابله برداشت و علیه آن تبلیغات سرسام آوری را سازمان داد. بوق های تبلیغاتی رژیم صربیه از خاتمه اجلاس شورای ملی فلسطین علیه مشی وحدت طلبانه، ضد امپریالیستی، ضد صهیونیستی و ملی شورای ملی فلسطین بهلجن پراکنی پرداختند و به تفرقه افکنی مشغول شدند. رژیم جنگ افروزمی صربیه با کنفرانس بین المللی صلح با رومیان نیز بر نظرسازمان ملل متحد را که در آن ساف به نمایندگی نماینده خلق فلسطین بصورت متساوی با حقوق به سایر طرفهای مذکور شرکت داشته باشد، رد کرد و آنرا "سازشکارانه" خواند. این در حالی است که به جاری آوردن روابط تریا طرفین جمهوری اسلامی با آمریکا و اسرائیل از پرده بیرون افتاد و خصم و نفرت همه نیروهای ترقیخواه منطقه وجهان را برانگیخته است.

عدم حضور رژیم جمهوری اسلامی در هیجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین، نشان انفرادی رژیم، بیشتر سیاستهای جنگ افروزانه، تروستیسم، ضد دموکراتیک و ضد ملی این رژیم است. این امر حاکی از آن است که شعارهای شوخالی صهیونیستی و همدست نش در حمایت از جنبش فلسطین و علیه اسرائیل که با هدف پیدا کردن جای پای در منطقه و جلب افکار عمومی خلقهای عرب صورت می گیرد، بیش از پیش مورد تفرقه و انزجار قرار می گیرد و به انفرادی از هم بیشتر این رژیم در منطقه منجر می شود.

### شرکت هیات نمایندگی کمیته مرکزی سازمان در هجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین

هیجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین با شعار "دوره هیجدهم دوره وحدت، دوره مقاومت فلسطین در اردوگاههای و سرزمینهای اشغالی" از بیستم تا بیست و پنجم و ریل ۱۹۸۷ در الجزایر تشکیل گردید.

در این اجلاس باشکوه که نماینده عظیمی از صهیونیستی و ملی آن بود، بیش از یکصد و پنجاه هیات نماینده از جانب دولت، اجزای سازمانهای مترقی جهان شرکت کردند. در این اجلاس هیاتهای حزبی و دولتی تمامی کشورهای سوسیالیستی و بسیاری از کشورهای مترقی و احزاب سازمانهای انقلابی و دموکراتیک منطقه و سایر نقاط جهان حضور داشتند. مسئولان هیاتهای شرکت کننده، طوسی سخنرانی های خود، حمایت خویش را از خواسته های عادلانه خلق فلسطین و وحدت و یکپارچگی سازمان آزادیبخش فلسطین اعلام نمودند و توطئه ها و اقدامات ماجراجویانه و دشمنانه امپریالیسم آمریکا و صهیونیستها، علیه خلق فلسطین و خلقهای منطقه را محکوم کردند.

رژیم ارتجاعی و استبدادی صهیونیستی، که در میان نیروهای ترقیخواه منطقه و سایر نقاط جهان روز بروز سراسر آترومی شود، در این اجلاس حضور نداشت. هیات نمایندگی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بنا به دعوت سازمان آزادیبخش فلسطین در این اجلاس شرکت کرد و طی آن بر صهیونیستی رژیم صهیونیستی و سازمان مابا مبارزه عادلانه خلق فلسطین و نیروهای سازمانهای مترقی فلسطین، علیه امپریالیسم و صهیونیسم تأکید نمود. هیات نماینده طی پیامی حمایت همه جانبه سازمانها، از حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین در جهت آزادی فلسطین در اثنای سرزمین و دولت مستقل خود، تحت رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین را، در دیگر اعلام و مورد تأکید قرار داد.

هیات نمایندگی سازمان طی این مدت با ملاقاتهای متعدد و تبادلات نظریه های نماینده فلسطین و اجزای سازمانهای مختلف، به افشای با زهم و دسترسیمای ضد مردمی رژیم صهیونیستی و با انتشار بیانه های جنگ طلبی و تجاوزگرای آزادی کثی و جنایات بی سابقه رژیم صهیونیستی نسبت به مردم میهنمان را محکوم نمود. هیات نمایندگی سازمان از جنایات بی شمار رژیم در زندانها و شکنجه گاههای کشور، علیه فدائیان خلق، توده ای ها و سایر نیروهای ترقیخواه کشور، بر داشت. ماجراجویی رژیم در خلیج فارس، زدوبند و ارتباطات آن با امپریالیسم آمریکا و صهیونیستهای اسرائیلی را که علیه مبارزه عادلانه خلق فلسطین، خلقهای کشورهای عربی و مردم ایران است را محکوم نمود. بعلاوه هیات نمایندگی سازمان در دیدار با هیاتهای نمایندگی اجزای سازمانهای انقلابی و مترقی، بیوند و همبستگی مبارزاتی سازمانها با آنها را تحکیم و تقویت نمود.

طی این اجلاس هیات نمایندگی از طرف کمیته مرکزی سازمان، از رئیس جمهوری الجزایر درخواست کرد که علیه جنگ ایران و عراق و برای استقرار رژیم صلح و خاتمه کشتار مردم بیگناه دو کشور به کوششهای بیشتری بپردازد.

در این اجلاس وسیع سازمان ما موفق شد، محرومیت ها و فزایدات غرضی خلق تحت ستم و جنگ زده میهن و جنایات بی سابقه رژیم علیه همه نیروهای ترقیخواه کشور را به گوش جهان رساند و بر سراندوزیم جنگ طلب، ارتجاعی و استبدادی صهیونی را بیابروت سازد.

### مروری بر قطعنامه های اجلاس شورای ملی فلسطین

هیجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین در جلسه علنی خود در روز ۲۵ آوریل ۱۹۸۷، قرار سیاسی مهمی را به تصویب رساند که حاکی از نظرات و مشی این سازمان در عرصه های گوناگون است. نظریه اهمیت قرار سیاسی مورد بحث، خلاصه ای از مهم ترین موارد آن در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی رسد: در قطعنامه مذکور آمده است که هیجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین بر "حقوق خلق فلسطین پذیر خلق عرب فلسطین در تعیین سرنوشت خویش با زکشت به همین و تشکیل دولت مستقل و ملی فلسطینی و رهایی قدس و باینندی به برنامهای سیاسی سازمان آزادیبخش فلسطین برای تحقق موارد فوق تأکید می نماید. در این قرار همجنین تأکید شده است که سازمان آزادیبخش فلسطین یگانه نماینده قانونی خلق فلسطین بوده و هرگونه تفویض اختیارات و تقسیم وظایف آن به دیگری و یا با دیگری ضررد می باشد. در این قطعنامه تأکید شده است که: شورای ملی بقیه در صفحه ۱۵

### سیمای کودکان در جمهوری اسلامی

اولین (۱۱ خرداد) بزرگساز عمو می جهان برای مبارزه در راه دفاع از حقوق کودکان، حمایت آنان از خطر جنگ و نجات آنها از جنگ، فقر، بیماری، بیسوادی و استعمار است. "فدراسیون دمکراتیک جهان زن" در نشست سال ۱۹۶۹ بر اساس تصمیمات گرفته دوم خود، اول ژوئن را "روز جهانی دفاع از کودکان" اعلام کرده سال بعد سازمان ملل، "اعلامیه حقوق کودکان" را به تصویب رساند که در آن دولتها، سازمانهای بین المللی و خانواده ها به دفاع از حقوق کودکان از بدو تولد و فراهم آوردن موجبات رشد جسمی، فکری و اخلاقی و روحی آنها موظف شده اند.

علیرغم آنچه در کشور ما با پیشروهای سرمایه داری بر نونهالان می گذرد، کودکان در کشورهای سوسیالیستی "طبقه ممتاز" محسوب می شوند و از اینرو سهم مهمی از بودجه این کشورها به تغذیه، حفظ سلامتی، آموزش و پرورش کودکان اختصاص دارد. آموزش و پرورش در این کشورها رایگان است و دلچسپ است و سبب تربیت نسل نخبه ها، تحصیل، و ایجاد شمار وسیع کتابخانه ها، مراکز ورزشی و هنری و سایر امکانات پرورشی به تربیت درست کودکان یعنی ما حیان فردا می گردد. اما کودکان ما در این مملکت با دروغ دیگری سر می برند. آنها در کابوس جنگ، دیده می کشایند و اکثریت آنان در شرایط فلاکت با اقتصاد ایران در جنگال فقر و محرومیت زندگی غم انگیزی دارند.

اقتصاد جنگی گلوله شیرخواران را می فشارد، سهم شیرخواران در حکومت آخوردها هر روز ۳ قوطی شیرخشک است، آنهم اگر در داروخانه ها یافت شود. واردات شیرخشک محدود شده، زیرا اهریمن جنگ همه بودجه را می بلعد، بیش از ۲ میلیون کودک زیر یک سال از گرسنگی رنج می برند. و کودکان زخمی قربانی جنگ کثیف می شوند.

سپیداش آموزان برای قربانی شدن در صحنه ها بخش ثابت سیاست جنگی رژیم را تشکیل می دهد. وزیر آموزش و پرورش در ماه ۲۵ شهریور ۶۵ روزنامه جمهوری اسلامی اعلام کرد: حدود ۵۷۰ درماد زائران بسیجی در صحنه های نبرد دانش آموزان دبستانی تشکیل می دهند. "جنگ، خون کودکان را پشت میز و نیمکت مدرسه هم می ریزد، تنها در میان آن مدرسه "رشدی" درگمان نشاء، یک مدرسه پسرانه در بروجرد و مدرسه دخترانه در میانه، بیش از ۶۰۰ دانش آموز در کلاسهای درس هلاک شدند. کودکان آواره در خانه ها، های جنگ زده و فقرزده، زندگی اندوهناکی دارند. این جنگ لبخند از چهره معصوم کودکان بروداست، بیش از ۲ میلیون کودک ۶ تا ۱۴ ساله در کارگاه های قالیبافی، کوره سفال، تعمیرکارها و مزارع و مغازه ها با تن خفیف و نوجور و آینه شده

نا روشن است اما رمی شوند و رنج می برند. خیلی هاتان تا آن آورخا تواددهای خود هستند. ساعت کارشان بسیار طولانی است، بنیمة نیستند و درقبال حوادث کار، نه دولت و نه کارفرما جوابگو نیست. آنها سادس محیط کار تنبیه می شوند، کتک می خورند، از سرنا چاری تحقیر و توهین را تحمل می کنند. سرگذشت دلخراش زهرا و فاطمه برائیان، دو دختر قالیباف ۸ و ۱۰ ساله که در کلبه ۷ بهمن ۶۵ به جاپ رسیده است، سرگذشت زندگی دیها هزار کودک کارگر ایرانی است که با خون سرانگشتهای زهریپ خود، گلپای قالی را نقش می زنند. فاطمه و زهرا پس از جدا بی بدروما است، توسط پدرموظ بق قانون "حق سرپرستی" در "دفترخانه اسنادرسمی شماره ۳۹" اسفراين به صاحب یک کارگاه قالیبافی فروخته شدند. سی ماه شد که آنها روزها قالی می بافند و کتک می خورند و شبها خامه بازمی کردند. در آنسر کتک کارفرما دست و پوی زهرا کتک، اما کارفرما و استادکار به دلیل استفاده غیرقانونی از کتک کودکان کمتر از ۱۲ سال تنها جریمه شدند.

فقر و فلاکت مالی میلیونها خانواده زخمکش ایرانی، درآئینه زندگی کودکان به تمام می منعکس می شود. کمبود گرانی سرام آورکوش، میوه و سایر مواد غذایی ضروری، کودکان این خانواده ها را از حداقل یک تغذیه سالم محروم کرده است. برخی از والدین بیکار زیر فشار رنجی که از گرسنگی کودکان نشان می کشند، به کارهای بی روی می آورند که در طول زندگی شرافتگذاران نشان به، می آتی حتی نیا ندیده اند. برخی از زنان آواره، حرمات ماری خود را به لجن فحشاء می آرایند، تا پول مانی برای کودکان نشان فراهم کنند، یکی از انگیزه های با لافتن آرای رسرقت را گرسنگی کودکان در تشکیک می دهد. پسردی دلیل روی آوردن به دزدی را اینطور توضیح می دهد: "ا زسرا که برگشتم دیدم

### اتحاد شوروی خواهان قطع پیدرتک جنگ شد

جامعه کشورهای عربی کمیته ای مرکب از چند تن از وزرای خارجه این کشورها را مامور کرده است که به تلاش گسترده ای برای قطع جنگ ایران و عراق دست بزنند. هیات مزبور در جستجوی راه پاسا دادن به جنگ به کشورهای مختلف منطقه مسافرت کرده و ضمن دیدار با مقامات این کشورها راههای عملی حل مساله مورد بحث و بررسی قرار داده اند. در ملاقات این هیات با مقامات اتحاد شوروی

که در اوایل ماه گذشته صورت گرفت، آندره گرومیکو صدراعظم شورای عالی اتحاد شوروی، ضمن تأیید تلاشهای هیات مزبور و اعلام مجدد مواضع شوروی مبنی بر قطع بلادرنگ جنگ اظهار داشت: "... هر شخص عاقل و بی طرفی که شاهد این قتل و کشتار بی معناست، به این نتیجه گیری جدی می رسد که هر دو طرف باید بدون درنگ دست از شلیک بکشند و بیست میز مذاکره پیشنهاد کنند. گرومیکو یادآور شد که مسئولیت ادامه جنگ، به گردن کسانی است که خواستهای مردم و محافل اجتماعی تمام جهان را نادیده می گیرند و ضمن تا کید بر حفظ و گسترش مناسبات با کشورهای ایران و عراق اظهار داشت "که ما در این زمینه درمنا سببیمان با دو کشور رتجا بر سرآری داریم و این سخنان بیوز و در مورد ایران صادق است که اتحاد شوروی با آن مز مشترک زیادی دارد. ..."

دربی فعالیت های هیات مزبور و اعلام مجددا صریح مواضع اتحاد شوروی درباره پایان جنگ و جانبداری از اقدامات حیات، مقامات جمهوری اسلامی ضمن اعلام مخالفت با فعالیت های این هیات با رد دیگر تبلیغات شوم خود را متوجه اتحاد شوروی کردند.

لجاجت جنون آمیز رژیم در ادامه جنگ که سبب فلاکت و مصیبت مردم میهن و تنهایی کشور شده است، امنیت منطقه را نیز به مخاطره انداخته و احتمال دیگری دیگر کشورهای عربی منطقه را در این جنگ کشیف افزایش داده است. تشنج فزاینده رژیم در خلیج فارس و عدم وجود امنیت برای فعالیت متعارف کشتی ران دریای آن، برخی از کشورهای این منطقه را آوا داشته است که به تمهیدات ویژه و فوق العاده ای دست بزنند. طبیعی است که تشنج و عدم امنیت منطقه حاصل ادامه جنگ است نه با این تمهیدات، بلکه تنها با قطع فوری جنگ با این خواهی پذیرفت. تا زمانی که رژیم خمینی به ادامه جنگ و تشدید آن اصرار می ورزد، امنیت منطقه همچنان در مخاطره است. افزایش دهنده بدین لحاظ است که سازمان ملل در راه خواهد آمد و میراثیست که بیشتر امکان خواهد یافت حضور و فشار خود را بر مردم و کشورهای منطقه افزایش دهد. تلاش بیگانه برای ادا کردن دور زیم برای قطع جنگ بخاطر مصالح مردم دو کشور، مصالح

دور زیند زباله را برای یافتن خوراکی می کاند. فشار گرسنگی دریا راهی مواردی شدیدا است که به اعتراف آخوند رستجانی و دیگر مرجعان، کودکان در برخی از روستاهای سیستان و اطراف شهر کردستان علف رقی گرسنگی می کنند.

در محلات زخمکش نشین، حاشیه شهرها و روستاها از بهداشت خبری نیست و کمبود امکانات پزشکی آنچه ای ما را تشکفته برپری کند. این امکانهای بطور عمده در تهران و در مراکز بعضی از استانهای بزرگ کشور متمرکزند. از ۵۱۳ پزشک متخصص اطفال در کل کشور، ۲۵۷ نفر در تهران کار می کنند. در استانهای با ختران ۳، کردستان ۴، چهارمحال بختیاری، ایلام، بویراحمد و کهگیلویه و بویر شهر ۱ و در ترکمن محران نیز با جمعیتی بیش از نیم میلیون نفر تنها ۱ پزشک اطفال وجود دارد. مرگ ۸۰ هزار نفر از ۲۸۰ هزار کودک زیر ۵ ساله که سالانه می میرند، تنها در آنسر یک اسهال ساده است. از این گذشته سالانه ۱۰۰ هزار کودک در اثر بیماریهای واگیرناخته شده ای مثل سرخک، فلج اطفال و... از دست می روند. میزان مرگ و میر کودکان در روزی آخورده از ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر هم می رسد. به اعتراف مسئولین مملکت در هر ۲ دقیقه ۱۵۰ ثانیه یک کودک کمتر از یک سال می میرد و از هر ۱۰۰۰ کودک، ۱۲۰ نفر تا سن ۵ سالگی می میرند.

#### آموزش کودکان

اکثریت کودکان ما از امکانات آموزش پیش از دبستانی محرومند. آنها مکانی جزبای در کوجه و خیابان ندارند. از ۱۰۰ میلیون کودک زیر ۶ سال ایرانی تنها ۷۷۷۴ نفر به کودکان می رسد که وضع تغذیه به بهداشت و امکانات پرورشی آنها نیز بسیار است. در حالی که در ایران صدها هزار مدرسه فاضل وجود دارد، در بسیاری از واحدها

### بیاد روزیه

۲۱ رده بیست، سالروزها دهت خسرو روزیه، فرزندان خلق، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، کمونیست قهرمان، نثرنا سیونا لیست و میهن پرست پرشور، گرامی باد.

خسرو روزیه مظهر عشق و وفاداری به آرمان حزب خود و توده های محروم بود. او در تیره شب استبداد دیکتاتور و مشغلی زجان برافروخت و با چیرگی بر مرگ، جاودانه شد. زندگی و مبارزه او لها مبحث مبارزه انقلابی هزاران رزمنده زاده، میهن پرست و کمونیست بوده، هست و خواهد بود.

گرامی باد یادش، خجسته یادش بخشی از منظومه "خون بلبل" سروده ها، سایه به یاد روزیه:

گرفتند و بردند و آویختند چه خونها که هر صبح دم ریختند گل ارغوان تو بر خا ک ریخت

پرستو از این بام ویران گریخت تگرگ از درختان فروریخت خبر ک

درو کرد این کشته را دانس مرگ نگر تا شب تیره چون سوختیم

فرو برده در سینه خویش جنگ کلسی تو بر آورده خورشید رنگ

اگر خون بلبل نجوشد به باغ کجا از گل سرخ گیری سراغ

بهارا گل تازه را بیامده زسوکهن، خسرو روزیه

و فانا بر سر بردتا پای دار گذشت از سوختم نشد گذشت

سرافکنندگی مانند باد دشمنش کسی را بدین مایه از زندگی است که مرگش گشاینده زندگی است

آدرس PI-10 1091 WIEN AUSTRIA	حساب بانکی AUSTRIA - WIEN BAWAG NR. 029 10701 - 650 DR. GERTRAUD ARTNER
---------------------------------------	---

امنیت منطقه و جهان از هر اقدام و فعالیت صلح خواهانهای که از جانب کشورها، محافل و مجامع بین المللی در جهت راهگشایی برای پایان جنگ صورت می گیرد، قاطعانه پشتیبانی می کنند.

های تولیدی مهد کودک وجود ندارد و برخی از مادران کارگر مجبورند با کودکان خردسال سرکارها فرستند. واحدهای آموزشی ایران جوابگو تا مین آموزش کودکان لازم التحصیل نیست. شهریه های گزاف و نیا زبه کار برای کمک به اقتصا دا خواهد، بسیاری از کودکان را حتی از آموزش دبستانی محروم می کند. برای آمار رسمی در سال ۱۳۶۳ حدود ۵۵ میلیون کودک بین ۶ - ۱۳ سال به مدرسه راه نیافته اند. ۴۰ هزار روستا در کشور ما فاقد مدرسه هستند و ۴۰ درصد از کودکان روستایی حتی خواندن و نوشتن را نمی توانند فرا بگیرند. جمهوری اسلامی با تکی کردن سیستم آموزشی از محتوی علمی و پرکردن آن با احادیث و اراء حذف برنامهای پرورشی و ورزشی و جایگزینی آن با تفسیر احادیث و قرآن، و آموزش نظامی کودکان، و اخراج آموزگاران با تجربه و جایگزینی جوانان نیازمندی مکتبی به جای آنها، به جای شکفتگی استعداد های کودکان، سرخورده گی و بی علاقتی آنان را به ادامه تحصیل موجب می شود.

واقعیات فوق هنوز سیمای کامل زندگی کودک ایرانی را تصویر نمی کند. کودکان ما قربانیان جنگ، اقتصاد دیران، فقر و سیه روزی با خرافه پروری و علم ستیزی رژیم خمینی هستند. تصور اینست ه دردناک کودکانی که با رنجوری و ناتوانی در فضای محرومیت از مکان بهداشت، درمان، تغذیه و تحصیل با رمی آیند، و با در فضای تبلیغ جنگ و آموزشهای مذهبی عهد عتیق تربیت می شوند، انگیزه بزرگ دیگری برای پدران و مادران ایرانی در مبارزه با خطر سرنگونی جمهوری اسلامی است. زنان و مادران که مظهر تابش زندگی هستند، در مبارزه با ظلم حفظ کودکان از ممانعت جنگ و نجات آنان از جنگال فقر و جهل و وظیفه بزرگی بر دوش دارند.

## پیروز یاد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!